



فصلنامه‌ی

نشریه‌ی

جوانان هوادار حزب چپ ایران (فدائیان خلق)

ویژه‌نامه کنکور کرونایی مرداد ماه ۱۳۹۹

برگزاری کنکور در وضعیت کرونایی

انگیزه‌های جدید بر اعتراضات جوانان

تعویق تمام کنکورهای سراسری

سازمان سنجش آموزش کشور



اولین شماره‌ی ویژه‌ی نشریه
مُروا

کنکور کرونایی ۱۳۹۹

همکاران این شماره:

الدوز حجازی، علی صمد،
مراد رضایی، لعیا اکبریان

فهرست:

سرمقاله / مراد رضایی و علی صمد صفحه‌های ۳

کنکور به مثابه‌ی ابزار اعمال تبعیض / مراد رضایی صفحه‌های ۴

برگزاری کنکور در وضعیت کرونایی، انگیزه‌های جدید بر اعتراضات

جوانان می‌افزاید! / مصاحبه با الدوز حجازی صفحه‌های ۸

برگزاری آزمون سراسری کنکور در مرداد ماه آری یا نه! کدام

رویگرد؟ / علی صمد صفحه‌های ۱۳

ترکیه و برگزاری کنکورها در اوضاع کرونا / لعیا اکبریان صفحه‌های ۳۷

ارتباط با نشریه:

morva.lpi@gmail.com



سرمقاله اولین ویژه نامه‌ی نشریه مُروا



«غول» نامی است که سال‌هاست در میان دانش‌آموزان و فعالان حوزه‌ی آموزش به کنکور داده می‌شود. وقایع اخیر حول این کلان-موضوع، از عدم تعویق کنکور حتی به قیمت احتمالاً افزایش شیوع بیماری کرونا تا ناتوانی مجلس در طرح موضوع تعویق آن، بار دیگر به همه ثابت کرد، کنکور حقیقتاً یک غول بی‌شاخ و دم است که حتی جایگاهی بالاتر نسبت به سلامت شهروندان و ساختار بروکراتیک جمهوری اسلامی دارد.

با گسترش همه‌گیری پاندمی کرونا و تاکید متخصصان بر لزوم جلوگیری از اجتماعات در فضای بسته برای پیگیری از شیوع این بیماری، زمان کنکور از هفته‌ی دوم تیرماه به انتهای مردادماه منتقل شد. اما پیک دوم کرونا، کشنده‌تر و شدیدتر از پیک اول، از اوایل تیرماه و با بی‌تدبیری حاکمان، قدرت‌نمایی کرد. اوضاعی پیش آمد که در حدود دو ماه اخیر و طبق آمار وزارت بهداشت، روزانه حدود ۲۰۰ نفر جان خود را در اثر ابتلا به این بیماری از دست می‌دهند. بنابراین مطالبه‌ی تعویق مجدد کنکور به صورت گسترده از سوی داوطلبان آزمون سراسری کنکور و خانواده‌های آن‌ها، با صدای بلند و به طرق

مختلف مطرح شد. مطالبه‌ی که حتی پس از برگزاری فاجعه‌بار کنکور دکتری و کارشناسی ارشد، به مجلس هم کشیده شد. اما مجموعه‌ی حاکمیت در نهایت زیر بار این مطالبه نرفت و صدای دانش‌آموزان را نشنیده گرفت.

واقعاً اگر کنکور یک آزمون علمی ساده بود، حکومت چنین بر سر آن پافشاری و به قیمت جان شهروندان لجبازی می‌کرد؟ عزیمت از همین سوال ساده، ما را بر آن داشت تا در یک ویژه‌نامه‌ی کوتاه به موضوع کنکور در سال جاری بپردازیم. حقیقت این است که مشکل جاری هرچند اهمیت بسیار زیادی دارد، اما تنها معضل در تاریخ کنکور نیست. کنکور بستر ایجاد یک فساد آموزشی، چه از نظر مالی و چه از نظر محتوای آموزشی است. صدها هزار دانش‌آموز با استعداد و خلاق، در روند آمادگی برای کنکور به ماشین‌های تست‌زنی بدل می‌شوند و این روند از سال اول ورود به مدرسه تا مقاطع تحصیل تکمیلی-حتی دکتری- ادامه پیدا می‌کند. از طرفی موسسات، انتشاراتی‌ها، نهادهای تبلیغاتی و به‌ویژه صدا و سیما، در این تبدیل دانش‌آموزان به ابزار تست‌زنی، ایفای نقش و کسب درآمد می‌کنند. از این جهت می‌توان به جرات مدعی شد کنکور در بخش بزرگی از معضلات نظام آموزشی ایران نقش مستقیم دارد. حال وقتی به این مساله‌ی پیچیده و چندوجهی، معضل عالم‌گیر کرونا نیز اضافه می‌شود، و برگزاری یا عدم برگزاری کنکور، مستقیماً با جان و سلامتی در ارتباط قرار می‌گیرد، تصمیمات حاکمان می‌تواند آینده‌ی تمام‌نمایی از مساله‌ی کنکور باشد. در دورانی که در جهان جشن‌های ملی و

مناسبت‌های مذهبی تعطیل می‌شوند، کنکور در ایران چنان بزرگ و تنیده در ساختارهای اجتماعی است، که حتی امکان تعویق آن وجود ندارد.



در این ویژه نامه نشریه مُروا به کنکور کرونایی ۱۳۹۹ پرداخته‌ایم. بررسی روند شکل‌گیری کنکور و معضلات برگزاری کنکور در دوران کرونا، نگاهی به کنکور از زاویه‌ی اقتصاد سیاسی، مصاحبه با یک فعال صنفی معلمان در تبریز و ترجمه‌ی مقاله‌ای در مورد برگزاری کنکور در ترکیه که اخیراً انجام شد، مطالب این ویژه نامه را شکل می‌دهند. ما معتقدیم فعلاً و در اوضاع شیوع کرونا، مساله‌ی اصلی تعویق کنکور سراسری تا زمان تضمین صددرصدی سلامتی دانش‌آموزان است. جان و سلامت دانش‌آموزان، خانواده‌های آن‌ها و سایر شهروندان، در اولویت مطالبات دیگر است.

نشریه مُروا با ارج نهادن به واکنش‌های مثبت و منفی مخاطبان‌اش، طبق سلیقه هر شماره، مخاطبان را به اظهار فکر و نظر مستقیم در مورد محتوای نشریه و ارائه‌ی پیشنهاد در مورد شماره‌های بعدی دعوت می‌کند.

با آدرس نشریه مُروا با ما در تماس باشید.

morva.lpi@gmail.com

با درودهای رفیقانه

مراد رضایی و علیصمد

کنکور به مثابه‌ی ابزار اعمال تبعیض

مراد رضایی

را همچون یک کارخانه‌ی تولید پول برای موسسات کوچک و بزرگ کنکور، مدارس غیرانتفاعی و انتشاراتی‌های کمک آموزشی بدانیم. اصطلاح «صنعت کنکور» تنها بخشی از این ابرمساله‌ی اجتماعی را پوشش می‌دهد.

مساله‌ی دیگری که کلمه‌ی کنکور، می‌تواند راه به کج‌فهمی در آن ببرد، تعداد کنکوری‌ها در ایران است. غالباً تصور می‌شود که «کنکور» آزمونی برای گذر از دبیرستان به دانشگاه است. در نتیجه فقط سال آخری‌های دبیرستان (همان

پیش‌دانشگاهی. تعدد کلمات برای توضیح یک وضعیت آموزشی معین، به دلیل تغییرات گاه و بیگاه نظام آموزشی در ایران است.) و پشت کنکوری‌ها درگیر مساله‌ی کنکور هستند. این برداشت به طور کلی غلط است. با ورود کودک هفت ساله به دبستان، بازی کنکور شروع می‌شود: آزمون‌های آزمایشی، کلاس‌های تقویتی، آزمون‌های ورودی مدارس نمونه‌دولتی و



چند خوانش غلط از مساله‌ی کنکور

بگذارید در همین ابتدای مطلب بگویم که وقتی از کنکور حرف می‌زنیم، موضوع گفتگو، یک «رقابت علمی» برای ورود به دانشگاه‌ها نیست. تقلیل ابرمساله‌ی کنکور در حد یک رقابت علمی، یک دغل‌کاری آگاهانه و یا احیاناً ناآگاهانه است. تنها بخشی از کنکور که احتمالاً بتواند نسبتی با «علوم» داشته باشد، جواب دادن به سوالات کنکور است. اما در این بخش نیز نه توان علمی داوطلب، که مهارت تست زدن او محک می‌خورد. این تنها چیزی است داوطلب کنکور یاد می‌گیرد: زدن تست کنکور در ماده‌های مختلف درسی. بنابراین وقتی از کنکور حرف می‌زنیم، موضوع بحث به روشنی، یک رقابت علمی در سطح کشوری نیست.

کنکور یک صنعت ۴۰ هزار میلیارد تومانی، با اتکا با ارقام رسمی است. اما «صنعت» دیدن صرف کنکور نیز در نهایت تقلیل‌گرایانه است. اینکه حول و حوش کنکور، پول‌های بزرگی جابه‌جا می‌شود، کافی نیست تا ما کنکور

پس کنکور چیست؟

در بحث سلبی فوق، مخاطب کمابیش در جریان قرار می‌گیرد که از نگاه ما، کنکور چه چیزهایی نیست! اما بحث ایجابی در این زمینه، اندکی پیچیده‌تر است.

سیاست افزایش تعداد دانشگاه‌ها، که به طور مشخص از دوره‌ی هاشمی رفسنجانی، در جمهوری اسلامی تداوم یافت، اهداف کلان اجتماعی و سیاسی را دنبال می‌کرد. در مدت کوتاهی، در دور افتاده‌ترین مناطق کشور نیز دانشگاه‌های آزاد، علمی-کاربردی و بعدتر پیام نور و غیر انتفاعی قد علم کردند. می‌توان گفت مهم‌ترین انگیزاننده‌ی حکومت در رشد کمی آموزش عالی، تبدیل بحران بیکاری، به منبع درآمد حکومت و نهادهای خصوصی وابسته به حکومت بود. میلیون‌ها جوان آماده به کار، به صندلی‌های دانشگاه‌ها هدایت شدند، تا به جای حضور در جمعیت بیکار و احیاناً اعتراض

سمپاد و کتاب‌های کمک آموزشی، هر یک به عنوان بخشی از آماده‌سازی دانش‌آموزان برای کنکور، به کابوس‌های تحصیل در نظام آموزشی کج و معوج ایران تبدیل می‌شوند. این روند تا سال آخر دبیرستان، و هر سال نفس‌گیرتر ادامه پیدا می‌کند؛ اما با ورود به دانشگاه تمام نمی‌شود. کنکورهای کارشناسی ارشد و دکترا نیز بخشی از همین بازی است که به ویژه با افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از یک‌سو و بیکاری گسترده‌ی این فارغ‌التحصیلان از سوی دیگر رونق گرفته‌اند.

در سناریوی کنکور، غالباً شخصیت منفی داستان، موسسات آموزشی کنکور و انتشاراتی‌های تولیدکننده‌ی کتاب‌های کنکور تلقی می‌شوند. اما این نهادها بیشتر به چشم می‌آیند، چرا که طرف حساب مستقیم دوطالبان هستند. اقتصاد کنکور دایره‌ی وسیعی از نان‌خورها را دور خود جمع کرده است: موسسات تبلیغاتی، بازار نشر و چاپخانه‌ها، سازمان عریض و طویل سنجش، صدا و سیما که همیشه بخشی از آنتن‌اش در اختیار کنکور است، همه و همه از سفره‌ی کنکور (که شباهت‌هایی هم به «سفره‌ی انقلاب» دارد) ارتزاق می‌کنند. این‌ها تنها نان‌خورهای علنی کنکور هستند. سال گذشته روزنامه‌ی همشهری گزارشی در مورد «فروش اطلاعات دانش‌آموزان به موسسات کنکوری توسط مدیران مدارس» منتشر کرد. اطلاعاتی که برای جهت دادن به تبلیغات و دسترسی نفر به نفر این موسسات به دانش‌آموزان استفاده می‌شد.



ارقام چه می‌گویند؟

سال گذشته، و در آخرین کنکور برگزار شده، در میان ۴۰ نفر اول کنکور سراسری، ۱۹ دانش آموز اهل تهران‌اند که ۶۶ درصدشان در مدارس غیردولتی و نمونه دولتی و ۳۳ درصد در مدارس سمپاد درس خوانده‌اند. همچنین بیش از ۹۰ درصد نقرات برتر شهرستان‌ها، سمپادی بوده‌اند.

رضا امیدی، استاد دانشگاه و پژوهشگر سیاست‌گذاری اجتماعی، سال گذشته و در سخنرانی با موضوع «خصوصی‌سازی آموزش عمومی در ایران» ارقامی را مطرح کرد که نشان می‌دهد حتی مساله از عدم امکان ورود دانش‌آموزان طبقات متوسط و فرودست به دانشگاه‌های طراز اول بسیار بغرنج‌تر است. «مطابق با سرشماری سال ۹۵ در ایران، از ۵۵ میلیون نفر جمعیت بالای ۲۰ سال، ۱۶ درصد بی‌سواد کامل، ۱۴ درصد در سطح ابتدایی، ۱۸ درصد زیر سیکل و

به وضعیت، پرداخت‌کننده‌ی شهریه به دانشگاه‌ها باشند. هر چند تاثیر این سیاست، تنها در تعویق و تعلیق ورود جوانان به بازار کار بود، اما از نظر اقتصادی غولی چون دانشگاه آزاد را پروار کرد که حالا سرمایه‌ای افسانه‌ای و امکاناتی در حد یک دولت مستقل دارد.

در این رشد تعداد دانشگاه‌ها، اولویت حکومت «کمیت» بود. در نتیجه کیفیت آموزش عالی، در حصر تعداد محدودی از دانشگاه‌های زبان‌زد ماند. همین ظرفیت، به بستری تبدیل شد تا کنکور را به عرصه‌ی رقابت برای کیفیت آموزشی تبدیل کند. در واقع کیفیت آموزشی، دیگر نه یک حق و مطالبه‌ی بدیهی، که یک «جایزه» برای برندگان رقابت کنکور بود.

اما کنکور هیچگاه نمی‌توانست یک رقابت علمی خلاق باشد، به این دلیل ساده که منابع کنکور، تعداد محدودی کتاب، مربوط به دوره‌ی دبیرستان است. از این تعداد

محدود کتاب مگر چند مدل مختلف می‌توان طرح مساله و سوال کرد؟ پس داوطلب کنکور، کافی بود

کنکور هیچگاه نمی‌توانست یک رقابت علمی خلاق باشد

بتواند در جریان شکل طرح سوالات قرار بگیرد. موسسات کنکوری، با بال‌های آموزشی و انتشاراتی و البته مکمل‌های تبلیغاتی و ترویجی آن‌ها نیز بنابر همین سیاست رشد و نمو کردند.

این وضعیت موجب ایجاد ساختار پیچیده‌ی آموزشی-اجتماعی، با هزاران فعال کوچک و بزرگ شد. از معلم خصوصی کنکور در فلان شهر کوچک تا موسساتی همچون قلمچی و البته سازمان عظیم سنجش!

در نتیجه کنکور بیش از هر چیز یک ابرمساله‌ی اجتماعی است که مانند هر مفهوم اجتماعی دیگری، جای خود را در تبعیض طبقاتی یافته و تحکیم کرده است.

کنکور بیش از هر چیز یک ابرمسالهی اجتماعی است است.

۶ درصد زیر دیپلم تحصیلات دارند. به عبارتی ۵۴ درصد از کل جمعیت بالای ۲۰ سال، موفق به گرفتن مدرک دیپلم نشده‌اند.» در واقع ۵۴ درصد جوانان ایران نه تنها داوطلب کنکور نیستند، که حتی دیپلم هم ندارند. با تضاد فاحش طبقاتی در عرصه‌ی آموزش، این بخش از جوانان در سطوح مختلف از آموزش محروم شده‌اند.

امیدی اضافه می‌کند. «در سال ۹۵ شکاف بین دهک بالا و پایین جامعه برای پرداخت هزینه در حوزه آموزش، ۴۷ برابر بوده و طبق آمارهای خام در سال ۹۶ به ۵۸ برابر رسیده است. مطابق با پژوهش انجام شده در وزارت رفاه، دسترسی سه دهک بالای جامعه به آموزش باکیفیت ۵۸ درصد بوده و این سهم برای سه دهک پایین تنها ۴,۵ درصد است.» یعنی دهک بالای جامعه در مقایسه با دهک پایین، حداقل ۵۸ برابر بیشتر هزینه‌ی آموزش می‌کند.

به موضوع کنکور برگردیم. موفقیت در این ماراتن چنان که گفته شد، نیاز به سطح بالای توانایی علمی ندارد. رقابت دانش‌آموزی که دوازده سال برای کنکور آماده شده و معلم خصوصی‌اش طراح سوالات کنکور است با دانش‌آموزی که حتی توان خرید کتاب‌های کمک‌آموزشی را ندارد، رقابتی از اساس بی‌معناست. همچون مسابقه‌ی سرعت میان لامبورگینی و دونده‌ای با پای شکسته!

برگزاری کنکور در وضعیت کرونایی، انگیزه‌ای جدید بر اعتراضات جوانان می‌افزاید!

توضیح - نشریه مُروا مصاحبه زیر را با خانم **الدوز حجازی معلم و فعال صنفی**، در ارتباط با وضعیت آزمون سراسری کنکور و مشکلات مربوط به آن انجام داده است. خانم حجازی بیش از ده سال است که در دبیرستان های دخترانه تبریز و تهران تدریس کرده است. ایشان از نزدیک با مسایل و مشکلات آموزش و پرورش و کنکورهای سراسری ورود به مراکز آموزش عالی آشنایی دارد. نشریه مُروا به مناسبت اولین ویژه نامه خود با خانم الدوز حجازی مصاحبه ای را انجام داده است که بدین ترتیب از نظر خوانندگان می گذرد.



تحمیل می‌کند. این اضطراب هر چند که امسال تشدید شده است، اما مختص امسال نیست. آزمون چهارساعته‌ای که به بیان تبلیغات قرار است آینده‌ی دانش‌آموز را مشخص کند، حتی چند سال پیش از رسیدن به مقطع کنکور به گرفتاری ذهنی دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها تبدیل می‌شود. وقتی تلویزیون مدام از کنکور می‌گوید، خیابان‌ها پر از بنرهای تبلیغاتی کنکور است، دانش‌آموز در مدرسه و در میان همسالانش مرتب با مساله‌ی کنکور مواجه است، سالهاست که کنکور به یک کابوس طولانی تبدیل شده است. در این بستر استرس‌زا، مساله‌ی کرونا مزید علت اضطراب می‌شود. نهادهای مرجع بهداشتی و از جمله سازمان بهداشت جهانی بارها گفته‌اند که اجتماع در فضای بسته یکی از مهم‌ترین زمینه‌های شیوع این بیماری است که حالا روزانه طبق آمار و به صورت میانگین ۲۰۰ نفر را در کشور می‌کشد. در این وضعیت قرار است چند صد هزار دانش‌آموز، در همین فضاهای بسته، در آزمون سرنوشت‌ساز زندگی‌شان شرکت کنند. این طبیعتاً نگران کننده است.

نشریه مُروا - آیا در ایران زیر ساخت‌های لازم جهت برگزاری کنکور سراسری با رعایت کامل پروتکل‌های بهداشتی برای مبارزه علیه ویروس کرونا وجود دارد؟ آیا امکاناتی دیگر برای برگزاری کنکور مانند استفاده از ابزارهای مجازی در کشور فراهم است؟

الدوز حجازی - ناتوانی سازمان سنجش از برگزاری کنکور با رعایت پروتکل‌های بهداشتی، به

نشریه مُروا - ظرف های ماه های گذشته و بویژه موضوع برگزاری کنکور سراسری در آخر مردادماه موجب نگرانی و استرس داوطلبین شرکت در این آزمون سراسری و خانواده های آنها شده است. دلایل چنین وضعیتی چه می باشند؟

الدوز حجازی - کنکور همیشه نگرانی و اضطراب سنگینی را به دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها

چندین قرینه قابل تشخیص است. اول برگزاری کنکور دکتری، که با وجود عدم شرکت تعداد زیادی از داوطلبان، شرایط برگزاری آن از نظر پیشگیری از شیوع کرونا «فاجعه» بود و حتی داد مسئولان جمهوری اسلامی را درآورد. دوم اینکه حتی پروتکل‌های برگزاری آزمون برای خود برگزارکنندگان نامشخص است. ابتدا صحبت از فاصله‌گذاری ۱۶۰

سانتی‌متری بود. بعد ستاد ملی کرونا گفت حداقل فاصله باید ۲ متر باشد. در نهایت هم دو طرف

بر سر ۱۸۰ سانتی‌متر توافق کردند. در صورتی که نه دلیل آن ۱۶۰ سانت و نه منطق این ۲ متر هیچگاه توضیح داده نشد. اگر منابع پزشکی می‌گویند فلان اندازه فاصله، دیگر میزان فاصله که چانه‌زنی ندارد. بخشی از داوطلبان هم قرار است در فضای باز در آزمون شرکت کنند. حتی به فرض تامین سایه‌بان برای جلوگیری از گرم‌زده شدن داوطلبان، چه تضمینی وجود دارد که در روز کنکور و در حوزه‌های فضای باز باد شدید نوزد و یا احیاناً باران نگیرد؟ مشخص است که در مورد هیچ یک از این مسائل فکر نشده است. سازمان سنجش مدعی شده است که از ۵۹ دانش‌آموز مبتلا به کرونا در سراسر کشور، در خانه و یا بیمارستان آزمون گرفته خواهد شد. یک جمع و تفریق ساده از تعداد مبتلایان بستری شده و درصد ابتلا در سنین کنکور کافی است تا دروغ بودن این عدد را متوجه شویم. همه‌ی این‌ها نشان می‌دهد سازمان سنجش آماده‌ی برگزاری کنکور نیست.

اما در مورد برگزاری مجازی آزمون، می‌توان گفت چنین کاری غیر ممکن نیست. آزمون ورودی حوزه‌های علمیه به صورت مجازی و با تمهیدات سخت‌افزاری بسیار زیاد برگزار شد. در مورد کنکور هم می‌شد زمینه‌های سخت‌افزاری و ساختاری چنین کاری را تامین کرد و آزمون را مجازی برگزار کرد. اما طبیعتاً این کار هزینه‌هایی دارد که

مسئولین وزارت

آ.پ. و سازمان

سنجش حتی

سراغ آن نرفته‌اند.

آزمون ورودی حوزه‌های علمیه به صورت مجازی و با تمهیدات سخت‌افزاری بسیار زیاد برگزار شد.

نشریه مَروا - در

کنکورهای

دکتری نزدیک به یک سوم و کارشناسی ارشد بین ۱۸ تا ۲۶ درصد ثبت نام کرده‌ها و نیز کارت ورود گرفته‌ها بدلیل نگرانی از ویروس کرونا شرکت نکردند. پس از برگزاری بسیاری از مسئولین حکومتی عدم رعایت پروتکل‌های بهداشتی را زیر سؤال بردند که رعایت نشده است. و الان در آخر مردادماه قرار است کنکور سراسری را به هر ترتیبی که شده با وجود شیوع ویروس کرونا و وضعیت قرمز و هشدار باش استانها برگزار کنند. دلیل این همه پافشاری با وجود خطراتی که داوطلبین بالای یک میلیون نفر و خانواده‌های آنها را تهدید می‌کند، چیست؟ امکان دارد بخشی از دانش‌آموزان به دلیل استرس و نگرانی خانواده‌ها در آزمون کنکور سراسری شرکت نکنند؟ به نظر

شما چه درصدی در این آزمون شرکت نخواهند کرد؟

کنکور را یک مسأله‌ی امنیتی و مطالبه‌ی ضد انقلاب معرفی کرده‌اند.

دلیل دیگر نزدیک بودن ایام محرم است. اگر کنکور تعویق می‌شد، فشارهای اجتماعی در مورد برگزاری مراسمات عزاداری بیشتر می‌شد.

اما نمی‌توان حدس زد چه میزان از دانش‌آموزان در کنکور شرکت نخواهند کرد. چون کنکور کارشناسی با کنکور ارشد و دکتری فرق دارد. اگر مسأله‌ی ابتلا به کرونا مسأله‌ی مرگ و زندگی است، سال‌هاست تبلیغات به دانش‌آموزان گفته است که کنکور هم مسأله‌ی مرگ و زندگی است. علاوه بر این داوطلبان پسر نگرانی اعزام به خدمت سربازی در صورت عدم ورود به دانشگاه را هم دارند. ولی به هر حال می‌توان با توجه به حجم اعتراضات گفت عدم شرکت در کنکور امسال چندین برابر سال‌های گذشته خواهد بود.

نشریه مروا - یکی از دلایلی که اخیراً رئیس سازمان سنجش آقای ابراهیم خدایی برای عدم تعویق آزمون‌ها بیان کرده این است که عدم برگزاری آزمون‌ها و عدم ورودی

دانشگاه‌ها باعث برهم خوردن تعادل نیازهای کشور به نیروهای متخصص می‌شود و کشور در آینده دچار مشکل می‌شود! آیا با این همه فارغ‌التحصیل بیکار ما با مشکل متخصص در کشور به دلیل عقب افتادن کنکور سراسری مواجه خواهیم شد؟



الدوز حجازی - این پافشاری بر برگزاری کنکور در انتهای مردادماه می‌تواند چندین دلیل داشته باشد. احتمالاً مهم‌ترین دلیل این است که در صورتی که ورودی‌های جدید دانشگاه‌ها یک ترم دیرتر وارد دانشگاه شوند، وزات علوم مجبور است هزینه‌ی مضاعفی در مورد فضاها و آموزشی و همچنین استخدام اساتید دانشگاه انجام دهد. در نتیجه مسئولین برگزاری آزمون پیش خود حساب می‌کنند آیا هزینه‌ی افزایش میزان ابتلا به کرونا و مرگ و میر مردم بیشتر است و یا تامین امکانات آموزشی؟ یعنی یک دودوتا چهارتای مالی انجام می‌دهند و به موضع پافشاری بر برگزاری کنکور می‌رسند.

یک دلیل دیگر این است که تعویق کنکور به معنای به رسمیت شناختن اعتراضات نسل جوان خواهد بود. نسل جوانی که به قول خودشان «دهه هشتادی» هستند و به خاطر دسترسی به فضای مجازی، و قبول نکردن هنجارهای رایج، عصیان‌گر هستند. حکومت به نوعی فکر می‌کند با برگزاری کنکور، این اعتراضات را سرکوب کرده است. قرینه‌ی این ادعا این است که در بخش‌های مختلف خبری صدا و سیما، در گزارشاتی مسأله‌ی تعویق

های آنان اطلاعاتی دارید. سرانجام فعالیت آنها و تاثیر چنین اعتراضاتی در جامعه در میان جوانان چه می باشد؟

الدوز حجازی - نامه‌ای با بیش از سی هزار امضا، شرکت گسترده در هشتگ‌هایی با محتوای مطالبه‌ی تعویق کنکور و کمپین‌های تماس با نمایندگان مجلس، بخشی از شیوه‌های اعتراض دانش‌آموزان به برگزاری کنکور بود. هرچند در عمل، این کارها تاثیری بر مسئولین برگزاری کنکور نداشت، اما دانش‌آموزان اعتراض کردن را تمرین کردند. این نسل حرفش را قورت نمی‌دهد و این امیدوارکننده است. باید به این گرایش توجه نشان داد و به آن اهمیت داد. هرچند تمایل حاکمان نادیده گرفتن آن باشد. خطر این برخورد حاکمان می‌تواند ناامیدی دانش‌آموزان از روش‌های مسالمت‌آمیز اعتراض باشد. اما به هر حال با نسلی مواجهیم که واقعاً حرف خودش را می‌زند.

ما در ایام بحث بر سر تعویق شاهد بودیم که برخی موسسات آموزشی کنکور با دانش‌آموزان تماس می‌گیرند تا آنها را مجاب به سکوت کنند و به آنها بگویند تعویق کنکور به ضرر آنها خواهد بود. اما بخش بزرگی از دانش‌آموزان مرعوب این رفتارها نشدند و حرف خودشان را زدند. همه این فاکتورها در اعمال فشار به داوطلبین، برای شرکت در آزمون سراسری کنکور بسیار مهم و خطرناک هستند.

نشریه مَروا - بسیاری از کارشناسان و متخصصان حوزه بهداشت بارها و بارها اذعان

الدوز حجازی - این توجیهات، صادقانه نیستند. اتفاقاً میزان بیکاری در میان فارغ‌التحصیلان دانشگاه بسیار بیشتر است. فکر می‌کنم البته اگر خوب یادم باشد نزدیک به چهار میلیون فارغ‌التحصیل بیکار در ایران داریم. اما حتی به فرض "صداقت" آقای خدایی، توجیه او بسیار ضد انسانی و ضد مردمی است. گیرم که کشور به اندازه‌ی شش ماه نیروی متخصص کمتری داشته باشد. آیا این دلیل می‌شود که دانش‌آموزان، خانواده‌های آنها و در سطحی بزرگ‌تر تمام جامعه را با مرگ و میر مواجه کنیم؟

در ضمن در طول دوران شیوع کرونا و به دلیل محدود بودن امکانات بهداشتی و درمانی، متأسفانه تعداد زیادی از متخصصان با تجربه کشور در عرصه‌ی سلامت را از دست دادیم (در حدود دو هزار نفر از کادر درمانی) و با بیشتر شدن شیوع این وضعیت بدتر هم خواهد شد. این متخصصان سرمایه‌های کشور بودند که به دلیل ندانم‌کاری دولت از دست رفتند.



نشریه مَروا - در ایران در میان داوطلبین شرکت در آزمون‌های سراسری، جنبشی اعتراضی و مدنی برای به تعویق انداختن کنکور بوجود آمده است. آیا شما از فعالیت

به صورت گسترده‌تر درگیر کرونا خواهد کرد و این اتفاقاً ویژگی این اوضاع است.

اما اینکه این وضعیت باعث بروز اعتراض بشود یا نه، این را جامعه تعیین می‌کند. می‌توان حداقل ادعا کرد که برگزاری کنکور در وضعیت کرونایی، می‌تواند انگیزه‌ای جدید بر انگیزه‌های اعتراض بیافزاید و به ویژه نسل جوان را به صورت جدی به اعتراض فرا بخواند.

نشریه مُروا - با تشکر از شما خانم حجازی
 که وقت برای انجام این مصاحبه گذاشتید.
الدوز حجازی - در پایان دوست دارم روی دو موضوع تاکید داشته باشم. اول از اینکه با شما دوستان نشریه‌ی مُروا آشنا شدم بسیار خوشحالم و از خواندن شماره‌های قبلی نشریه بسیار لذت بردم. دوم از اینکه امکان گفتگو با من را به شکل مصاحبه با فصلنامه‌ی وزین مُروا فراهم کردید از شما دوستان عزیز تشکر می‌کنم. امیدوارم در تداوم انتشار این نشریه خوب و جدی مربوط به جوانان و دانشجویان، کوشا باشید.

نموده‌اند که برگزاری هر اجتماعی ممنوع است. حتی در گزارش‌های خبری می‌بینیم و می‌خوانیم که ویروس کرونا جهش یافته و سرعت انتشار بیشتری پیدا کرده است. بنابراین سرعت انتشار این ویروس و ابتلا به آن در صورت رعایت نکردن آیتم‌های بهداشتی می‌تواند وحشتناک باشد؛ لذا در شرایط حساس کنونی تامین سلامت افراد باید در اولویت هر حکومتی باشد. اصرار روی برگزاری آزمون سراسری کنکور در وضعیت کرونایی نشان از این دارد که حکومت و ارگان‌های آن نسبت به حفاظت از سلامت جان مردم و جوانانش بی‌توجه هستند. از نظر شما در صورت بروز عواقب کرونایی پس از کنکور سراسری چه اتفاقاتی روی خواهد داد؟ آیا بروز اعتراضات گسترده محتمل است؟ لطفاً توضیح دهید.

الدوز حجازی - به نظرم حسن روحانی، نظرش را در مورد عواقب کرونایی برگزاری کنکور به روشنی اعلام کرده است. او گفت این همه مراسم در کشور برگزار می‌شود و در پاساژها این حجم از عدم رعایت نکات بهداشتی را می‌بینیم. کنکور در میان این‌ها که مهم نیست. مهم نبودن کنکور از نظر او به این معنی است که وقتی کشور از نظر کرونایی به بن‌بست رسیده است، و توان سیستم بهداشت و درمان کشور اشباع شده است، احتمالاً کنکور تاثیر جدی بر اوضاع نخواهد داشت. بالاتر از سیاهی که رنگی نیست! اما کنکور در واقع نسل جوان کشور را

برگزاری آزمون سراسری کنکور در مرداد ماه آری یا نه! کدام رو بگرد؟

علی صمد



وجود آورد و علاوه بر آسیب‌های فیزیکی که برای مردم به همراه داشت آسیب‌های روحی و روانی بیشماری هم ایجاد کرد و موجب تضعیف روحیه‌ی همه‌ی مردم و به خصوص دانش‌آموزان و دانشجویانی که خود را آماده کنکور می‌کردند، شد. تا جایی که بر شرکت‌کنندگان در کنکور ۹۹ نیز این استرس مضاعف وارد شد. به طوری که اکنون برنامه‌ریزی درسی آنان را با مشکل مواجه کرده است و نگرانی جدیدی بر نگرانی‌های همیشگی آنان اضافه شده است. پیامدهای منفی با شیوع ویروس کرونا در کشورافزای ش یافت؛ کاهش درآمد مردم، تعطیلی بسیاری از مراکز خدماتی، رکود بازار و کسب و کارها، تعطیلی مدارس و مراکز آموزشی و بدتر شدن وضعیت معیشتی مردم از جمله مشکلاتی بود که در پی شیوع کرونا در همه‌ی کشورهای دنیا به وجود آمد. همه موارد فوق یک سری حواشی دیگر هم در مورد زمان و نحوه برگزاری کنکور ۹۹ و همچنین امتحانات نهایی پیش آمده بوجود آورد که ما تلاش می‌کنیم آن موارد را در این نوشته طرح و بررسی کنیم.

شیوع و گسترش ویروس جدیدی از خانواده‌ی کرونا به نام «کووید-۱۹» تمام جهان را تحت تاثیر خود قرار داد. تعطیلی مدارس و مراکز دانشگاهی و آموزشی، لغو اکثر سفرهای داخلی و بین‌المللی، لغو تمامی رویدادهای فرهنگی، ورزشی و مذهبی، ایجاد قرنطینه‌ی خانگی در بسیاری از نقاط جهان و کاهش درآمد کسب و کارها از مهمترین تاثیرات این ویروس خطرناک بوده است. شیوع این ویروس در ایران نیز تمامی بخش‌های جامعه از جمله اقتصاد، فرهنگ و نظام آموزشی را تحت تاثیر خود قرار داد. بهمن ماه سال ۹۸ بود که در برخی از مناطق کشور، شیوع بیماری کرونا اعلام و به دنبال آن تعطیلی بسیاری از مدارس، کلاس‌های کنکور و تقویتی، سالن‌های مطالعه و کتابخانه‌ها و دیگر مکان‌های مورد نیاز برای مطالعه‌ی کنکور باعث شده که شرایط استرس بیش از پیش بر دانش‌آموزان و پشت کنکوری‌ها وارد شود. اگر نگاهی به اطرافمان بیندازیم متوجه تغییرات زیادی خواهیم شد؛ از تغییر نحوه‌ی آموزش دانش‌آموزان و دانشجویان از حضوری به مجازی گرفته تا تعویق برگزاری آزمون‌های سراسری در مقطع تحصیلات تکمیلی و کنکور سراسری سال ۹۹ که از تاثیرات ویروس کرونا بی‌نصیب نماندند. انتشار این ویروس در میان خانواده‌ها و جوانان داوطلب آزمون‌های سراسری سنجش در مناطق متعدد کشور مشکلات بسیاری را به

۱۳۶۱ که برگزاری کنکور منحصر به رشته‌های پزشکی، فنی و مهندسی، کشاورزی، الهیات و معارف اسلامی بود. این روند تا سال ۱۳۷۱ به همین شکل ادامه پیدا کرد و داوطلبان سه نوع سهمیه آزاد، منطقه‌ای و نهادهای انقلاب اسلامی داشتند که به مرور زمان و با افزایش متقاضیان شاهد به وجود آمدن تحصیلات از نوع پیام‌نور، شبانه، مراکز تربیت معلم و غیرانتفاعی بوده‌ایم. اما پس از مدتی طرح سنجش و پذیرش دانشجو که بعدها به طرح حذف کنکور معروف شد، مطرح گشت. این طرح توسط سازمان سنجش مطرح شد و مورد بررسی قرار گرفت. همزمان با آن، این طرح در مجلس در حال بررسی بود. براساس طرح مجلس، تا پایان سال نخست برنامه ۵ ساله، کنکور در سال‌های دوم و سوم دبیرستان و پیش‌دانشگاهی ادغام می‌شود و هر سال از ۱۰ درس به صورت سراسری و تشریحی امتحان گرفته شده و معدل نمرات، ملاک ورود داوطلبان به دانشگاه می‌شد. البته باید دانست در سال‌های اخیر با تغییرات جدیدی در این زمینه روبه‌رو بوده‌ایم. در ایران، سازمان سنجش که



کنکور در ایران و تاسیس سازمان سنجش

از اول تاسیس دانشگاه‌ها کنکور نیز به همراه آن وجود داشت. هر دانشگاه برای جذب دانشجو به صورت مستقل عمل می‌کرد و آزمون خاصی را در نظر می‌گرفت و تا سال ۱۳۴۸ کنکور به شکل سراسری وجود نداشت. در یک دوره‌ی ده ساله، تعداد دانشگاه‌ها به ۱۴ مرکز رسمی رسید. با مرور زمان، حجم متقاضیان ورود به دانشگاه بسیار زیادتر از گذشته شد و این موضوع یکی از دلایل اصلی بود که مسئولان وقت را واداشت تا آموزش عالی را تاسیس کنند و بدین طریق پاسخگوی جمعیت زیاد داوطلبان ورود به دانشگاه باشند. در سال ۱۳۴۷ وزارت علوم تاسیس و راه‌اندازی مرکز آزمون‌شناسی بوجود آمد. همین امر موجب برگزاری آزمون سراسری شد که در ایران برای نخستین بار در سال ۱۳۴۸ اتفاق افتاد و ۴۷۷۰۳ نفر داوطلب در آن شرکت کرده بودند. آزمون بین ۱۲ دانشگاه و با ۳۰ رشته تحصیلی که داوطلبان تنها حق انتخاب ۱۰ رشته را داشتند. در سال ۱۳۵۴ سازمان سنجش آموزش کشور تشکیل شد و کنکور جایگاه سازمان‌یافته‌تری به خود گرفت.

در این سال‌ها عوامل بسیاری بر نتایج کنکور تاثیرگذار بود که می‌توان به معدل امتحانات نهایی ششم متوسطه و ضوابطی از جمله نوع مدرک، سهمیه منطقه، جنسیت و نظام وظیفه اشاره کرد. اما سال ۱۳۵۷، سالی متفاوت بود، چراکه دیگر این عوامل در قبولی کنکور تاثیرگذار نبودند و قبولی مشروط به نتایج کنکور بود. این مقولات برای قبل از انقلاب است، چراکه پس از انقلاب در سال ۱۳۵۸ نخستین آزمون سراسری برگزار شد و پس از آن همزمانی با انقلاب فرهنگی موجب تعطیل شدن کنکور به مدت سه سال شد؛ تا سال

خانواده‌های‌شان با پدیدار شدن ویروس «کووید ۱۹» با مشکلات عدیده‌ای مواجه شده‌اند. با شدت گرفتن کرونا در تابستان تقریباً بیشتر برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها با چالش‌های مهمی مواجه شده‌اند. بسیاری از پیش‌بینی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها آموزشی نقش بر آب شده‌اند. یکی از مهم‌ترین موضوعات حوزه آموزش، برگزاری کنکورهای سراسری است. مسئله‌ای که در سال تحصیلی جاری به دلیل بیماری کرونا در زمان مورد نظرش برگزار نشد و بنا به تصمیم ستاد ملی مبارزه با ویروس کرونا تعویق زمان کنکورهای سراسری توسط سازمان سنجش از ۱۲ و ۱۳ تیرماه به ۳۰ و ۳۱ مردادماه ۹۹ موکول شد و تاکنون تغییر دیگری برای این آزمون اعلام نشده است. این آزمون قرار است در ۴۰۰ شهر و ۳۰۰۰ نقطه برگزار شود و تعداد عوامل اجرایی از ۷۸ هزار نفر به ۱۱۵ هزار نفر افزایش یافته است. سازمان سنجش و ستاد مبارزه با کرونا افزایش حوزه‌های امتحانی، برگزاری کنکور از ۲ روز به ۴ روز، قرار گرفتن صندلی‌ها با فاصله ۱۶۰ سانتی متر از هم، در نظر

سازمانی تحت نظر وزارت علوم است، مسئول اصلی برگزاری کنکور سراسری برای ورود به دانشگاه‌ها می‌باشد. این آزمون سراسری سالی یکبار در تیرماه به صورت یک‌مرحله‌ای و برای پنج گروه آزمایشی علوم ریاضی و فنی، علوم تجربی، علوم انسانی، زبان‌های خارجی و هنر برگزار می‌شود.

برگزاری کنکور سراسری و دغدغه‌های جوانان

موضوع کنکور و سنجش و پذیرش در دانشگاه یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های جوانان و خانواده‌های آنان می‌باشد و همواره در آغاز هر سال تحصیلی موجی از نقد، نظر، پیشنهاد و مشکلات در این باره مطرح می‌شود.

طبق آمار رسمی در مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد که برای تحصیلات تکمیلی یا ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها می‌باشند به اضافه‌ی

اسامی رشته‌ها	تاریخ برگزاری آزمون
ریاضی	۳۰ مرداد
انسانی	۳۰ مرداد
تجربی	۳۱ مرداد
هنر	۳۰ مرداد
زبان	۳۱ مرداد

کنکوری‌های سال ۹۹ که شامل سال آخری‌های دبیرستان و نیز تعداد زیادی جوان پشت کنکوری از سال‌های گذشته که خواهان ورود به دانشگاه‌های کشور هستند، در مجموع جمعیتی در حدود ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار داوطلب را تشکیل می‌دهند که خواهان تحصیل یا ادامه تحصیل در دانشگاه‌های کشور در سال جدید می‌باشند. این جمعیت و

گرفتن حوزه‌هایی مخصوص برای داوطلبانی که به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند و... سرسختانه به دنبال برگزاری کنکور سراسری است.

آزمون سراسری کنکور و استرس و نگرانی‌های موجود میان داوطلبین

به نوشته سایت سنجش، تعداد یک میلیون و ۳۹۱ هزار و ۵۲۴ نفر برای شرکت در کنکور سراسری ۹۹ ثبت نام کرده‌اند. این تعداد را اگر با خانواده‌های شان در نظر بگیریم ما با یک رقم نزدیک به پنج میلیون نفر (در یک خانواده چهارنفره) مواجه می‌شویم که با استرس و نگرانی‌های بسیاری درگیر می‌باشند. این واقعیتی است که کنکوری‌ها همیشه به دلیل شرایط خاص برای قبولی در این آزمون سراسری در استرس و اضطراب خاصی به سر می‌برند و روانشناسان در آستانه‌ی برگزاری کنکور به آنها توصیه‌های بسیاری برای آرامش و پرهیز از هرگونه نگرانی دارند. در سال جدید شیوع ویروس کرونا باعث شده است که کنکوری‌ها دل نگران‌تر از پیش شده و رشته‌ی مطالعه از ذهن آنها گسسته شود. فضای آشفته و به هم ریخته‌ی جامعه در پی شیوع ویروس کرونا و بلا تکلیف نگه داشتن و اطلاعات نادقیق و شایعات بی‌شماری که توسط مسئولین دولتی و حکومتی، وسایل ارتباط جمعی و شبکه‌های اجتماعی درباره‌ی ابتلا به بیماری کرونا و مرگ حاصل از آن انتشار می‌یابد موجب درگیری ذهنی، اضطراب و نگرانی این طیف چند میلیونی جامعه شده است.

شواهد موجود نشان می‌دهد که رنج استرس و اضطراب حاصل از کرونا بر همه‌ی امور دانش‌آموزان تاثیر منفی گذاشته و برای رفع دغدغه‌ی آنان هم تاکنون برنامه‌ریزی‌های اصولی و درستی انجام نگرفته است. لازم است که دغدغه‌های این دسته از دانش‌آموزان جدی گرفته شود. زیرا استرس‌های یاد شده بر روح و روان و زندگی آنان و خانواده‌های‌شان تاثیرات نامطلوبی برجا خواهد گذاشت. اضطراب و استرس به تاکید روانشناسان، نیروی تفکر را ضعیف و کارایی حافظه را مختل می‌کند، مرکز حواس را به هم می‌زند، موجب فراموشی دانسته‌ها می‌شود و پریشانی خاطر را به دنبال دارد و قدرت تصمیم‌گیری را از فرد می‌گیرد.

همیشه زمان برگزاری آزمون‌های سراسری کنکور مشخص بود. اما این بار شرایط کرونایی در جامعه باعث شد که داوطلبین خواستار به تعویق افتادن زمان برگزاری کنکورها شوند. تا بلکه از این طریق بتوانند بدون دلواپسی از گرفتار شدن به بیماری «کووید-۱۹»، آزمون را پشت سر بگذارند. در این میان ستاد ملی مقابله با کرونا و سازمان سنجش کنکور در مقاطع تحصیلی دکتری و کارشناسی ارشد و نیز آزمون سراسری ورود به سال اول دانشگاه را چند بار به عقب انداخت و در نهایت زمان قطعی برگزاری آزمون‌ها را در مردادماه اعلام کرد. با این وجود نگرانی‌ها و آمار مرگ بالای حاصل از این بیماری باعث شده است نیروی زیادی از داوطلبان خواستار به تعویق افتادن آزمون‌های سراسری و لزوم طرح دوفوریتی مجلس برای تعویق کنکورها شده‌اند. اما مجلس با صحبت‌های تبلیغاتی نمایندگان و شلوغ‌کاری‌های زیاد در نهایت طرح دو فوریتی را به کناری گذاشت. در ضمن در این میان اعتماد عمومی جامعه به جمهوری اسلامی به منظور پیشگیری از شیوع ویروس کرونا و

حاضر این تعطیلی به دلیل فرا رسیدن تعطیلات تابستانی همچنان ادامه دارد. در هنگامی که مدارس تعطیل شد طبق اعلام مسئولین آموزش و پرورش، در حدود ۷۰ درصد محتوای آموزشی تدریس شده بود و قرار شد که راه‌هایی برای آموزش بقیه مفاهیم آموزشی به دانش‌آموزان انجام گیرد؛ آموزش تلویزیونی و آموزش معلمان از طریق فضای مجازی از جمله روش‌هایی بوده است که توسط وزارت آموزش و پرورش، در همکاری با ارگان‌های دیگر دولتی به کار گرفته شد. این

آموزش‌ها به ویژه برای دانش‌آموزان پایه‌ی دوازدهم کافی نبود و دل‌نگرانی‌های دانش‌آموزان سال آخر را برطرف نمی‌کرد. اما با وجود این مسئولین آموزشی و وزارتخانه‌های آنان به این نتیجه رسیدند که هیچ بخش از کتاب درسی حذف نشود و امتحان پایان سال از تمام مفاهیم درسی گرفته شود.

در اعتراض به این تصمیم‌گیری، بخشی از دانش‌آموزان با این تصمیم آموزش و پرورش مخالفت کردند و اعلام کردند که آموزش‌های ارائه شده برای آنها

حفظ سلامت شهروندان به دلایل مختلف از جمله عدم صداقت، پنهانکاری، بی‌توجهی، ناهماهنگی‌ها، عدم کارایی و شفاف نبودن دوباره‌ی بیماری کرونا در سطح بسیار پایینی است. مواضع و گزارش‌هایی که توسط دولت و وسایل ارتباط جمعی در ایران انتشار می‌یابند، نشانگر این واقعیت‌اند که برگزاری تجمعات در بسیاری از شهرها به دلیل شیوع دوباره‌ی ویروس کرونا لغو شده است اما در این میان بسیاری از مسئولان دولتی بر این باورند که آزمون‌های سراسری با حضور صدها هزار داوطلب باید برگزار شود. در شرایطی که بسیاری از استان‌های کشور در وضعیت قرمز و هشدار باش قرار دارند، شرایط برای برگزاری کنکورهای سراسری با این تعداد زیاد از داوطلبین جوان بسیار دشوار و خطرناک است و به نظر نمی‌رسد که در چنین شرایطی پروتکل‌های بهداشتی به خوبی رعایت شوند و در این وضعیت جامعه در خطر عفونت و گسترش بیماری قرار می‌گیرند.



مشکلات مربوط به تعطیلی زودرس مدارس بدلیل شیوع ویروس کرونا

در اواخر بهمن و اوایل اسفند ماه سال ۹۸ مدارس کشور به دلیل پیشگیری از شیوع بیماری کرونا تعطیل شدند. این تعطیلی برای دانش‌آموزان سال آخر که قرار بود، کنکور بدهند، بسیار نگران‌کننده بود چرا که باید محتوای کتاب‌های درسی‌شان را برای شرکت در کنکور، آموزش می‌دیدند؛ اما کلاس درسی برگزار نمی‌شد. در حال

دانش‌آموزان قبل از تعطیلی مدارس فرا گرفته‌اند (که بعداً مسئولین ۷۰ درصد محتوا را به ۸۰ درصد تغییر دادند)، ملاک امتحان باشد. روشن است تا زمانی که وزارت آموزش و پرورش زیرساخت‌های لازم برای این موضوع را فراهم نکند و نتواند خدمات یکسانی را به دانش‌آموزان مناطق مختلف کشور ارائه کند، قطعاً مشکلات در این عرصه پا بر جا خواهند ماند.

اما نگرانی و خواسته‌های دانش‌آموزان کنکوری فقط محتوا و امتحانات نهایی نبود بلکه زمان برگزاری کنکور هم بود و یکی دیگر از مطالبات تعویق زمان کنکور بود تا بلکه آنها بتوانند با آمادگی بهتری در این آزمون سراسری برای ورود به برخی رشته‌ها در دانشگاه‌ها شرکت کنند.

**گسترش مطالبه به عقب
انداختن زمان آزمون‌های
سراسری کنکور در جامعه**

نیروی بسیار بزرگی از داوطلبان کنکوری خواهان به تاخیر انداختن زمان آزمون‌های سراسری هستند و بدین منظور به

کافی نبوده و نباید امتحان پایان سال و کنکور از محتوای کامل کتاب باشد؛ جمعی از دانش‌آموزان با توجه به مطالب فوق، پیشنهادات و مطالبه‌هایی را انتشار دادند. این پیشنهادات با ثبت سوژه‌ای با عنوان «مطالبه تشکلهای دانش‌آموزی در برگزاری امتحانات»، با هفت هزار امضا در سامانه «فارس من» منتشر شد. آنها خواستار این شدند که امتحانات از همان ۷۰ درصد محتوایی که دانش‌آموزان قبل از تعطیلی مدارس فرا گرفته‌اند، برگزار شود.

دانش‌آموزان در این سوژه عنوان کردند: «تدریس به صورت مجازی به هیچ عنوان نمی‌تواند بازدهی و یادگیری بالایی در دانش‌آموزان به وجود آورد و همچنین با توجه به اینکه در بسیاری از مناطق کشور دسترسی لازم و با کیفیت به اینترنت وجود ندارد. افزون بر این مشکلات، دبیران نیز به دلیل اینکه از پایان سال تحصیلی و حدود امتحانات مطلع نیستند، در تدریس مطالب نگرانی و عجله فراوانی دارند.

جمعی از دانش‌آموزان با توجه به مطالب فوق، پیشنهادات و مطالبه‌هایی را دارند که لازم به ذکر است پیشنهاد ذیل حاصل مشورت با تعدادی از نمایندگان دانش‌آموزان در تشکلهای دانش‌آموزی تهیه شده است. برگزاری امتحانات و کنکور از مطالب تدریس شده تا تاریخ ۳ اسفند و ادامه تدریس مجازی؛ با توجه به عدم دسترسی تعداد زیادی از دانش‌آموزان به ویژه دانش‌آموزان مناطق محروم به اینترنت و رعایت عدالت آموزشی در تمام مناطق کشور، دستور داده شود که سؤالات امتحانات و کنکور از مطالب تدریس شده تا تاریخ ۲ اسفند طراحی شوند و ایضاً تدریس مجازی به صورت رفع اشکال و مرور و یا ادامه روند کم‌بازده فعلی به فعالیت خود استمرار دهند....»

در آخر مطالبه‌گری دانش‌آموزان و مراجعات و پیگیری آنها و فشار اجتماعی به وزارت آموزش و پرورش و واقعیت تعطیل شدن زودرس مدارس کشور باعث شد که مسئولین آموزش و پرورش مجبور شوند به درخواست دانش‌آموزان تا حدودی توجه نشان دهند. و قرار شد که بخش اعظم سؤالات امتحانات از همان ۷۰ درصد محتوایی که

مسئولین وزارتخانه‌های آموزشی و دولتی با کمی تاخیر به سازماندهی برگزاری آزمون‌های سراسری با تاخیر انداختن‌هایی ادامه دادند. اما دانش‌آموزان و دانشجویان معترض دست از فعالیت نکشیدند و بخشی از آن‌ها، تحت عنوان کاربران «فارس من» با ثبت سوژه‌ای در این سامانه خواستار «هزینه عدم شرکت دانشجویان در کنکور بازگردانده شود»، شدند. آنها در درخواست خود اعلام کردند: «از سازمان سنجش درخواست داریم با توجه به عدم انتقال کنکورهای سراسری دکتر، ارشد و سراسری وزارت علوم به بازه زمانی ایمن، خطرناک بودن پروتکل‌های پیشنهادی و مختار بودن داوطلبان جهت شرکت در آزمون‌ها، با عنایت به عدم ارائه خدمات به آن داوطلبانی که ریسک حضور در آزمون توأم با شرایط کرونایی را پذیرا نیستند، لطفاً نحوه استرداد وجه نقد ثبت نامی را به طور عمومی یا به هر نحوی که آن سازمان صلاح می‌داند، اعلام فرماید. بدیهی است صرف انجام هزینه و عدم ارائه خدمات طبق قوانین آمر بر سازمان‌ها و شرکتهای دولتی

اشکال گوناگون برای طرح مطالبات خود اقدامات بسیاری را سازماندهی کرده‌اند. آنها با درست کردن هشتگ‌هایی نظیر **#تعویق_تمام_کنکورهای_سراسری**، **#سلامت_کنکوری**، **#نه_به_کنکور**، **#کنکور_کرونایی**، **#سلامت_دانشجو** و ... و نیز نامه‌نگاری با مسئولین، به راه انداختن کمپین‌های امضاگیری، مراجعه به وسایل ارتباط جمعی، برگزاری تجمعات مختلف در برابر مراکز مسئول و تصمیم‌گیر در ارتباط با کنکور و... فضای به عقب انداختن زمان کنکورهای سراسری را داغ نگه داشتند. آنها با فعالیت خود موفق شدند نگرانی‌ها و بی‌توجهی‌هایی که نسبت به مطالباتشان در سطح جامعه توسط مسئولین ارگان‌های آموزشی و دولتی انجام می‌شود را در سطح عمومی بازتاب دهند. در این کار هم به خوبی اقدامات خود را سازماندهی کردند.

فشار دانش‌آموزان، دانشجویان و خانواده‌های آنان به مسئولین حکومتی و نمایندگان و حتی وسایل ارتباط جمعی بسیار زیاد است. نهادهای مدنی و آموزشی به اشکال گوناگون خواهان به عقب‌انداختن کنکور سراسری می‌باشند. به گزارش گروه سیاسی خبرگزاری آنا، احمد نادری، عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی در توییتری نسبت به برگزاری آزمون سراسری نوشت: «روزانه هزاران پیام و تماس درباره تعویق و عدم تعویق کنکور از مردم دریافت می‌کنم».



در اعتراض به برگزاری آزمون‌های کنکور ۹۹ در پی شیوع ویروس کرونا، کمپین‌های متعددی با ثبت سوژه‌ای با عنوان «لزوم طرح دو فوریتی مجلس برای تعویق کنکور» که با امضای نزدیک به ۳۱ هزار حمایت‌کننده همراه است خواستار به تعویق انداختن زمان برگزاری آزمون‌های کنکور هستند.

سازمان ذی نفع مجاز به شناسایی درآمد اختصاصی تا زمان تحقق شروط شناخت درآمد مذکور نبوده و با درخواست متقاضی خدمت وجوه باید مستر شود».

سنجش تاکنون هیچ‌گونه نظرسنجی رسمی و عادلانه‌ای را از داوطلبان در این باره به عمل نیاورده است. او در ادامه سوال می‌کند که چرا سازمان سنجش حاضر نیست از ۲,۲ میلیون داوطلب که مبلغ ۶۰۰ تومان هزینه پیامک اطلاع‌رسانی دریافت کرده است (مجموعاً ۱,۳۲ میلیارد تومان) تحت نظارت یک سازمان (مثل مجلس یا وزارت ارتباطات و...) حداقل چند نظرسنجی پیامکی برگزار کند تا از این طریق از نظر اکثریت کنکوری‌ها مطلع شود و بتواند آمار دقیقی را ارائه کند.»

کنکور امسال با کنکور سال‌های قبل تفاوت‌هایی دارد، سال‌های قبل داوطلبان فقط به آزمون می‌اندیشیدند و استرس‌شان فقط در نحوه پاسخگویی خلاصه می‌شد اما امسال ترس از ویروس کرونا هم بر استرس‌شان افزوده است. این نگرانی داوطلبان و خانواده‌های آنها به حدی است که تعدادی از کاربران خبرگزاری فارس که با فراز و نشیب‌های کنکور و کرونا دست و پنجه نرم می‌کنند، با ثبت سوژه‌هایی در سامانه «فارس من»

خبرنگار فارس مجدداً از فاطمه زرین‌آمیزی سخنگوی سازمان سنجش آموزش کشور این مسئله را پرس‌وجو کرد که وی بیان داشت: طبق اطلاعیه‌ای که در دفترچه ثبت‌نام آزمون ذکر شده است، هزینه دریافت شده از داوطلبان به حساب خزانه دولت واریز می‌شود و سازمان سنجش آموزش کشور حساب شخصی ندارد.

با وجود هزاران امضا و کمپین برای تعویق کنکورهای امسال به دلیل شیوع ویروس کرونا، اما تصمیم مسئولان بر برگزاری کنکور و پایان یک سال سخت پر اضطراب برای کنکوری‌های ۹۹ می‌باشد. سردبیر سوژه تعویق کنکور، در این باره به سازمان سنجش و دیگر ارگان‌های مسئول می‌گوید: «اگر به پروتکل‌های خود اطمینان دارند چرا حاضر به تعهد مکتوب تضمین سلامتی داوطلبان و خانواده‌هایشان و حتی پرداخت غرامت در صورت ابتلای آنها به کرونا نیستند؟ و در جواب این درخواست داوطلبان این پاسخ را ارائه می‌دهند که شرکت در آزمون اختیاری است. چرا با درخواست بیش از ۱۵ هزار داوطلب که حاضر شده‌اند در این شرایط نایمن از آزمون انصراف دهند و درخواست بازگشت وجه ثبت‌نام را دارند موافقت نمی‌کنند و اعلام می‌کنند که هزینه ثبت‌نام به حساب خزانه واریز شده است؟ داوطلبان انصرافی که روزبه‌روز تعدادشان هم زیاده‌تر می‌شود و حاضرند به خاطر حفظ سلامتی خود و خانواده‌هایشان یک سال از جوانی خود را پرپر کنند. (این آمار از یک نظرسنجی در کانال تلگرامی به دست آمده است.)»

سردبیر سوژه تعویق کنکور، به یکی دیگر از دلایلی که مسئولین روی آن برای برگزاری آزمون‌های سراسری تاکید می‌کند پرداخته است. این ارزیابی از طرف مسئولان دولتی و سازمان سنجش مطرح می‌شود که فقط ۱۰ درصد از داوطلبان موافق تعویق کنکور هستند. ارائه‌ی چنین آمارهایی در حالی است که وزارت علوم و سازمان

هشدار قرار دارند، زندگی می‌کنند. تعداد بستری روزانه به نزدیک ۴۰۰۰ تن رسیده و روند ابتلا و مرگ صعودی است. ۲۶ استان کشور در وضعیت قرمز یا در حال هشدار هستند. به گفته او از هر ۱۴ نفر بستری در استان تهران یک نفر جان خود را از دست می‌دهد. این آماری است که از سوی وزارت بهداشت اعلام می‌شود و از سوی بسیاری کارشناسان مورد تردید است. آنها میزان مرگ و میر بر اثر کرونا در ایران را بسیار بالاتر ارزیابی می‌کنند.

حریرچی خبر داد که تهران نه تنها مجدداً در وضعیت قرمز قرار گرفته، بلکه به منشاء آلودگی برای شهرهای دیگر تبدیل شده است. جمعیت روز با شب تهران حدود ۸۰۰ هزار نفر تا یک میلیون نفر تفاوت دارد. این یک میلیون نفر با تردد به شهرها یا استان‌های دیگر می‌توانند منشاء شیوع گسترده ویروس باشند.



درخواست‌های مکرری برای تعویق کنکور از سوی مسئولان کردند. فضای شبکه‌های اجتماعی مانند توئیتر سرشار از این اعتراضات برای به تعویق انداختن کنکور سراسری است.

تجمعات عمومی و واقعیت شیوع کرونا در جامعه

ستاد مرکزی مبارزه با کرونایی وزرات بهداشت رسماً بارها اعلام کرد که تجمع بیش از ۱۰ نفر در مکانهای سر بسته ممنوع است. ظرف یکماه گذشته ۲۶ استان ایران در وضعیت هشدار و قرمز قرار دارند و مرگ و میر روزانه در اثر ویروس کرونا از یک ماه قبل سه رقمی و تصاعدی است. آمارهای رسمی بسیار نگران‌کننده هستند و این در حالی است که اسناد بسیاری حاکی از پنهان‌کاری مسئولین جمهوری اسلامی ایران در اعلام ارقام واقعی قربانیان در فضای مجازی و وسایل ارتباط جمعی انتشار می‌یابد. پزشکان و کادر درمانی هم‌چنان به روحانی یادآوری می‌کنند که اهمال در مدیریت بحران و عدم جلوگیری از اجتماعات انسانی، تبعات سنگین و جبران‌ناپذیری برای کشور خواهد داشت.

در حال حاضر مراسم نماز جمعه تهران و سایر شهرستان‌ها و همچنین برگزاری نماز جماعت در مساجد برخی استان‌ها به صورت موقت تعطیل شده‌اند. مدارس و مراکز آموزش عالی در تعطیلات تابستانی هستند. سالن‌های کنسرت، سینما، تئاتر، سالن‌های اجتماعات، تالارها و مکان‌های برگزاری مراسم جشن و تشریفات در سطح استان تهران و سایر شهرستان‌ها تعطیل شده‌اند.

شورای هیات‌های مذهبی ایران روز شنبه ۱۱ مرداد (اول اوت) در بیانیه‌ای برگزاری مجالس محرم و تجمعات مذهبی بدون موافقت ستاد کرونا را در سراسر ایران ممنوع کرد و عواقب آن را به عهده برگزارکنندگان گذاشت.

روز پنجشنبه اول اوت ایرج حریرچی، معاون وزارت بهداشت تصویری از اوضاع عمومی سیستم درمانی در شهرها و استان‌های ایران داد. او گفت ۷۲ میلیون نفر از جمعیت ایران در استان‌هایی که در وضعیت

باشیم.»

در ضمن سخنگوی وزارت بهداشت سیما سادات لاری روز یکشنبه ۹ اوت برابر با ۱۲ مرداد ۱۳۹۹ اعلام کرد که استان های تهران، مازندران، گلستان، فارس، آذربایجان شرقی، اردبیل، اصفهان، البرز، ایلام، خراسان رضوی، کرمان، خراسان شمالی، سمنان، لرستان و هرمزگان در وضعیت قرمز قرار دارند. همچنین استانهای آذربایجان غربی، خوزستان، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، زنجان، همدان، کهگیلویه و بویر احمد، مرکزی، یزد، گیلان و قم هم در وضعیت هشدار قرار دارند.

پزشکان امضاکننده نامه ۲۹ ژوئیه اعلام کرده اند: «عزاداری و مراسم مذهبی در اجتماعات و گروه ها بعلاوه تجمعات بزرگ مثل کنکور بدون رعایت شرایط لازم باید اکیدا ممنوع گردیده بر ممنوعیت آن نظارت جدی و انضباطی اعمال گردد». مجمع انجمن های پزشکان به عنوان «صدای سیستم سلامت کشور و مجموعه ای که شامل انجمن های متخصصان و کارشناسان آمار و اپیدمیولوژی و

این موضوع امر پیچیده ای نیست که ایجاد امکانات درمانی در هر کشوری بر عهده دولت است. در ایران معاون وزارت بهداشت در این باره به مردم هشدار می دهد. ایرج حریرچی در سخنان اخیر خود گفت: «به مردم هشدار جدی می دهیم. در کشوری با ۸۴ میلیون نفر جمعیت، ۱۳۰ هزار تخت بیمارستانی داریم. کشورهایی مانند ترکیه چندین برابر ما تخت بیمارستانی دارند. فاجعه در تعداد آی سی یو، به ازای ۱۰۰ هزار نفر است... بیمارستان های مان پر است و چندین ماه است که بیماران دیگر هم مراجعه کرده اند.» او در ادامه به وضعیت بیمارستان های تهران اشاره کرد و گفت موارد بستری مجددا در تهران اوج گرفته و این روند «خیلی خطرناک» است. بنابر آماري که او اعلام کرد روز چهارشنبه هشتم مرداد در استان تهران ۷۱۰ بیمار مبتلا به کرونا بستری شده اند که «به اندازه ی ظرفیت بیمارستان امام حسین تهران است».

طبق آماري که معاون وزارت بهداشت داده، در حال حاضر تعداد بستری روزانه به نزدیک ۴۰۰۰ تن رسیده است. او اضافه کرد: «میزان بستری ما، پنج نفر به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر است. تا جایی که روندمان صعودی است، موارد مرگ هم صعودی خواهد بود.»

یکی دیگر از موارد مهم در صحبت های ایرج حریرچی، معاون وزارت بهداشت این است که میزان بیماران کرونایی در سنین پایین نیز در حال افزایش است و در حال حاضر افراد ۲۰ تا ۲۹ ساله و حتی سنین کمتر هم بستری می شوند. به گفته ایرج حریرچی میزان ابتلای سنین پایین «نسبت به دوره چهار ماهه قبل دو برابر شده است».

در تازه ترین نمونه، انجمن اسلامی جامعه پزشکان در نامه ای به تاریخ ۲۹ ژوئیه یک روز پیش از شروع آزمون کنکور دکتری سراسری در ۳۰ ژوئیه خطاب به حسن روحانی نوشتند: «تجربه ماه های اخیر حاکی است که عدم اتکا به نقشه راه علمی در مدیریت بحران، مشتمل بر برنامه های کوتاه، میان و بلند مدت و غلبه حواشی بر متن، منتهی به ناکام ماندن تمامی تلاش های مدیریتی در کنترل بیماری و زحمات کادر درمان شده و همچنان شاهد گسترش سایه شوم بیماری

سلامتی جوانانش مواجه است و مناسب است به نامه هشدار دهنده انجمن اسلامی جامعه پزشکان بدرستی تاکید و توجه نشان داد که می گوید: "مشروط کردن برگزاری اجتماعات به اصول بهداشتی «نقض غرض»

است، زیرا تجمعات، بستر گسترش بیماری هستند: «...از این رو ممنوعیت آنها از ضروریات کنترل بیماری است زیرا اگر این اقدامات منجر به ایجاد مخاطره برای جان حتی یکی از هموطنانمان گردد حمل بر قصور و بی مسئولیتی خواهد شد».

آزمون سراسری دکتری و کارشناسی ارشد در هفته دوم و سوم مردادماه برگزار شد

روز پنجشنبه نهم مرداد (۳۰ ژوئیه) در آزمون دکتری سراسری در حدود ۱۷۹ هزار ۷۰۴ داوطلبی که ثبت نام کردند که ۴۴ درصد آنها زن و مابقی مرد بودند، تنها ۱۲۷ هزار شرکت کننده در آزمون حضور یافتند و کمی بیش از ۵۹ هزار داوطلب شرکت (بیش از ۳۰ درصد) در آن غایب بودند.

پزشکی اجتماعی هم می شود» و به عنوان مجموعه ای که یکایک احاد آن «ماهه است در پیکاری بی امان با این بحران به سر می برند و نقاط ضعف را به خوبی تجربه کرده و می شناسند» به روحانی هشدار داده اند: «عدم رعایت توصیه های کارشناسانه مجمع و سیستم سلامت باعث ابتلا و مرگ و میر با ابعادی به مراتب دهشتناک تر از پیش خواهد شد».

نظر کارشناسی آنها با پذیرش تمام مسئولیت های اجتماعی و اخلاقی آن چنین است: «عزاداری و مراسم مذهبی در اجتماعات و گروه ها به علاوه تجمعات بزرگ مثل کنکور بدون رعایت شرایط لازم باید اکیدا ممنوع شود و بر ممنوعیت آن نظارت جدی و انضباطی اعمال شود».

شواهد بالا نشان می دهد که دولت به هشدارهای جامعه مدنی، جوانان، دانشجویان و خانواده های آنان، نهادهای پزشکی و درمانی و سازمان جهانی بهداشت و حتی بخشی از مسئولین وزارتخانه های خود و نمایندگان مجلس رژیم توجه چندانی نشان نداد. سازمان سنجش آموزش با دو الی سه بار به تاخیر انداختن، در ادامه کنکور های دکتری و کارشناسی ارشد را با وجود ریسک بالا و نیز مخالفت ها و تقاضاهای دانشجویان برای تعویق آن، برگزار کرد.



جامعه ایران در چنین فضای خطرناک، نامناسب و دشوار از جنبه

و تردید کرده‌اند. به ویژه که این ویروس بنابر پژوهش‌ها حداقل هشت دقیقه در هوا می‌ماند و امکان انتقال بیماری به دیگران در فضای بسته کم نیست. در ضمن پروتکل‌های پیش‌بینی شده توسط وزارت بهداشت و درمان در این تجمعات بزرگ قابل اجرا نیست.

در ضمن این بیماری در میان ۲۵ درصد از افراد مبتلا هرگز علامت‌دار نیستند. طبق اطلاعات و شواهد جدیدی که انتشار یافته، علائم در میان افراد می‌تواند تا ۴۸ ساعت پس از عفونت ظاهر نشوند. دانشمندان تا این لحظه عنوان کرده‌اند که هر دو گروه ممکن است «ناقلین خاموش» این ویروس باشند. همه شواهد و مدارکی که انتشار یافته، نشان از این دارد که تجمعات می‌توانند موجب انتقال بیماری به دیگران شوند. شیوع کرونا در ایران از بهمن‌ماه گذشته تاکنون مهار نشده و آمار ابتلا به ویروس کرونا و مرگ در پی عفونت کووید ۱۹ در سراسر کشور هفته‌هاست که بدون تغییر بالاست.

چنانچه پیش‌تر متذکر شدیم در آزمون دکتری سراسری نزدیک به

ظرفیت پذیرش دوره دکتری سال ۱۳۹۹ حدود ۲۴ هزار نفر می‌باشد که از این تعداد، ۱۴ هزار نفر مربوط به دانشگاه‌های دولتی و ۱۰ هزار نفر مربوط به دانشگاه آزاد اسلامی است. در سال ۹۸ آمار شرکت‌کنندگان در مقطع آزمون سراسری کنکور در حدود ۱۹۵ هزار و ۶۰۰ نفر ثبت نام کردند. از این میان حدود ۱۶۳ هزار نفر در جلسه آزمون دکتری حضور داشتند و در حدود ۱۱٫۵ درصد غائب بودند. ظرفیت دانشگاه‌های دولتی در سال ۹۸ در حدود ۲۳ هزار و دانشگاه آزاد اسلامی ۱۰ هزار نفر بوده است.

درباره کنکور سراسری کارشناسی ارشد فاطمه زرین آمیزی سخنگوی سازمان سنجش آموزش کشور درباره‌ی آمار نهایی دریافت‌کنندگان کارت ورود به جلسه کنکور کارشناسی ارشد ناپیوسته سال ۹۹ گفت: از تعداد ۶۹۴ هزار و ۴۱۷ داوطلب شرکت در آزمون در حدود ۵۱۳ هزار نفر در کنکور سه روزه شرکت کردند. و سخنگوی سازمان مربوطه اعلام کرده است که ۱۸ درصد موفق به دریافت کارت ورود نشدند. اما دقیقاً نمی‌گوید چه درصدی از داوطلبانی که کارت ورود گرفتند در کنکور کارشناسی ارشد شرکت کردند. در آمار دیگری که توسط مسئولین دولتی درباره‌ی تعداد شرکت‌کنندگان در آزمون سه روزه انتشار یافته صحبت از حضور ۷۴ درصد از دانشجویانی است که برای این مقطع تحصیلی ثبت نام کرده‌اند.

در کنکور دکتری و کارشناسی ارشد، دستورالعمل‌هایی که برای جلوگیری از گسترش امکان ابتلا به کرونا از سوی برگزارکنندگان این آزمون داده شده این است که داوطلبان از تردد بی‌مورد در محل آزمون خودداری کنند، هنگام ورود و خروج به حوزه امتحانی فاصله با دیگر داوطلبان (حداقل یک متر) را حفظ نمایند، ماسک سه‌لایه معمولی (بدون فیلتر) داشته باشند و از تماس دست‌ها با چشم، دهان و بینی در حین آزمون خودداری کنند. هنگام عطسه یا سرفه کردن نیز باید از دستمال کاغذی استفاده کنند.

آیا به راستی رعایت این توصیه‌ها می‌تواند ضمانتی برای مبتلا نشدن به کرونا باشد؟ این روزها بسیاری از کارشناسان در این باره ابراز نگرانی

یک سوم ثبت نام کنندگان شرکت نکردند. ۵۹ هزار نفر نیروی اندکی نیستند. در آزمون کارشناسی ارشد تعدادی بین ۱۸ تا ۲۶ درصد در آزمون سراسری این مقطع تحصیلی حضور نیافتند. همه‌ی این آمارها نشان از این دارد که حفظ سلامتی، مسئولیت در قبال جامعه برای جلوگیری از ابتلای جوانان به ویروس کرونا، ترس و نگرانی از ابتلا به این ویروس، همه و همه باعث شدند که تلاش مدنی برای عقب انداختن کنکورهای سراسری دکتری و کارشناسی ارشد به سرانجام نرسد.

روشن است که امکان کنترل و ابتلای شرکت‌کنندگان به ویروس با توجه به پنهانکاری و عدم اطلاع‌رسانی حکومت وجود ندارد. آش برگزاری کنکورهای دکتری و کارشناسی ارشد چنان شور شده بود که بعد از برگزاری کنکور بسیاری از نمایندگان مجلس و وسایل ارتباط جمعی حکومت به رعایت نکردن پروتکل‌های بهداشتی معترض شدند و سازمان سنجش و وزارتخانه‌های مربوطه دولتی نیز با فرستادن کارت پستال‌های موفقیت‌آمیز بودن برگزاری آزمون‌های مربوطه و رعایت پروتکل‌ها بهداشتی به خود، علناً موضوع را ماستمالی کردند. و معلوم نیست که با توجه به برگزاری تجمعات دو کنکور سراسری فوق در روزها و هفته‌های آینده، دانشجویان و خانواده‌ها و جامعه در چه سطحی می‌بایست هزینه‌های چنین تصمیمات نابخردانه و ناسنجیده‌ای را بدهند!

محمد باقر قالیباف، رئیس مجلس حکومت اسلامی ایران در جلسه‌ی علنی یکشنبه ۱۲ مرداد با انتقاد از عدم رعایت پروتکل‌های بهداشتی در کنکور دکترا گفت: «این کوتاهی‌ها، نگرانی مردم در خصوص برگزاری کنکور سراسری را بیشتر کرده است و بسیاری از نمایندگان شنونده نگرانی‌های والدین در خصوص سلامت فرزندان خود بوده‌اند.» او در ادامه متذکر شد: «تعویق زمان برگزاری کنکور تا گذشتن از پیک کرونا و خنک‌تر شدن هوا که امکان استفاده از ماسک به مدت چند ساعت را میسر کند «ضروری» خواند.»

کنکور سراسری و امکانات وسیع تبلیغاتی «موسسات آموزشی

کنکور»
بیش از چند دهه است که سیستم آموزشی کشور بر اساس کنکور سراسری برنامه‌ریزی می‌شود. سالهاست که فشارهای ناشی از کنکور و موسسات سودجو تبدیل به صنعتی شده است که در جامعه برای نام بردن از آنها از عناوینی مانند «غول کنکور»، «صنعت کنکور»، و یا «مافیای کنکور» استفاده می‌کنند. طبق آمار موجود در فضای رسانه‌ای، در حدود ۱۱ هزار و ۳۰۰ آموزشگاه در کشور فعال‌اند و در حدود ۶۰ درصد این موسسات در زمینه‌ی کنکور مشغول به فعالیت‌اند. یعنی ۵ تا ۶ هزار موسسه در کل کشور. از هر ۵ تا ۶ موسسه فعال در حوزه کنکور، یکی در تهران واقع است و بقیه مربوط به ۳۰ استان دیگر کشور می‌باشند. در این سال‌های گذشته تا امروز، امکانات مالی و تبلیغاتی مافیای کنکور به قدری افزایش یافته که به راحتی دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان را تحت تاثیر خود قرار می‌دهند و هزینه‌های سنگینی را به خانواده‌ها تحمیل می‌کنند تا بلکه فرزندشان از این طریق بتواند به دانشگاه وارد شوند. وزیر آموزش و

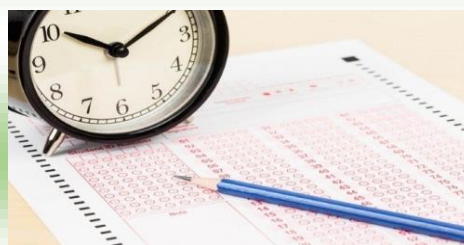
دانش‌آموزان و خانواده‌ها مجبور به خرید کتاب‌های کمک درسی می‌شوند. از سوی دیگر کتاب‌های درسی هر سال تغییر می‌کند و این منجر به تغییر کتاب‌های کمک درسی می‌شود و هر ساله در این وضعیت همه مجبور به خرید این کتاب‌ها هستند.

مافیای کنکور با امکانات مالی و تبلیغی، سیاست‌های سودجویانه‌ی خود را در سراسر کشور پیش می‌برد. آن‌ها تاکنون توانسته‌اند تب کنکور را برای در آمد بیشتر افزایش دهند. سیستم آموزشی کنونی به نفع دانش‌آموزان، مردم و آینده‌ی کشور نیست. در واقع

دانش‌آموزان از همان دوره‌ی ابتدایی وارد چرخه‌ی کنکور می‌شوند. نگاهی به گردش مالی، وضعیت تبلیغات و اتفاقات عجیب و غریبی که در این موسسات مافیایی می‌افتد، سیستم آموزشی کشور را با غولی به مراتب بزرگ‌تر و سرسخت‌تر از کنکور مواجه می‌کند. غولی به نام «موسسات آموزشی کنکور»!

مافیایی با نام «موسسات آموزشی کنکور»

پرورش دولت حسن روحانی در سال ۹۷ گفته بود گردش مالی موسسات کنکور حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان است. اگر این عدد را بر تعداد داوطلبان کنکور در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا (دو میلیون و ۱۷۵ هزار نفر) تقسیم کنیم، هر داوطلب به طور میانگین ۱۸ میلیون تومان برای کنکور ۹۹ هزینه کرده است. اما مشخص نیست که این گردش مالی فقط مربوط به سال آخر دبیرستان است یا سال‌های قبل را هم شامل می‌شود. چرا که هم‌اکنون آمادگی برای کنکور فقط محدود به سال آخر دبیرستان نمی‌شود و حداقل از پایه دهم دانش‌آموزان از خدمات موسسات کنکور استفاده می‌کنند.



طبق آمار، ۱۰ موسسه‌ی بزرگ آموزش کنکور در کشور وجود دارد که سیاست‌های اصلی این نهادها را تعیین می‌کنند. مافیای کنکور موسساتی هستند که با انتشار کتاب‌های تست، آزمون‌های مشابه کنکور و کلاس‌های تقویتی درآمدی باورنکردنی و میلیاردی دارند و تاکنون توانسته‌اند با قدرتی که به دست آورده‌اند سرنوشت میلیون‌ها جوان را به خطر اندازند. درآمدهای این مراکز آنقدر بالاست که می‌شود که با اتکا به آن هزاران شغل در کشور ایجاد کرد. این موسسات میلیاردها تومان تبلیغات به صدا و سیمای جمهوری اسلامی پرداخته‌اند و سال‌های بسیاری است که شاهد تبلیغات مختلف میلیاردی این موسسات مافیایی در رادیو و تلویزیون هستیم. در واقع سال‌هاست که آزمون سراسری، محلی برای کاسبی سرمایه‌داران و مافیای کنکور شده است. نکته‌ی پراهمیت این است که آموزش و پرورش کشور با این سیستم مافیایی همکاری می‌کند و حجم کتاب‌های درسی هر سال کمتر می‌شود. در عین حال حجم کتاب‌های کمک درسی و کنکور افزایش می‌یابد. در نتیجه



در واقع شگرد این موسسات اغلب دست گذاشتن روی قشر ضعیف و متوسط جامعه است. زیرا آنها تضمین آینده فرزندشان را در قبولی کنکور می‌بینند و به تبلیغات موسسات کنکوری اعتماد می‌کنند تا جایی که حتی حاضر هستند فرش زیر پای خود را نیز بفروشند و یک پکیج کامل درسی شامل چند دی وی دی را به قیمت ۱۰ میلیون تومان برای فرزندشان بخرند تا برای موفقیت فرزندانشان در کنکور هزینه کنند؛ به طوری که از میان ۴۰ درصد داوطلبان شرکت در کنکور، ۷۲ درصد آنها کمتر از ۱ میلیون، ۱۱ درصد ۲ میلیون، ۱۲ درصد بیش از ۲ میلیون و یک درصد هم بین ۱۰ تا ۲۰ میلیون تومان برای قبولی در کنکور هزینه می‌کنند. بخش دیگری که از وضعیت پولی بسیار خوبی برخوردارند برای شهریه مدرسه ۵۰ میلیون، پانسیون ماهانه ۲۰ میلیون، مدرسه غیرحضوری ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون،

بخش قابل توجهی از سرمایه‌گذاران و سرمایه‌داران سودجو در ارتباط با ارگان‌های دولتی و غیر دولتی حکومت اسلامی از طریق موسسات آموزشی کنکور و فعالیت در عرصه انتشار کتب تستی، انواع کتاب‌های کمک‌درسی و معلم سرخانه‌ی از راه دور، کلاس‌های مشاوره، برگزاری دوره‌های انتخاب رشته، فروش دی وی دی‌های درسی و ... برای قبولی در کنکور، از این محل درآمدهای بسیار بالایی را به دست آورده‌اند. این ناشران و موسسات که خود را تنها راه موفقیت و پیشرفت تحصیلاتی معرفی می‌کنند، در جامعه‌ای که اکثریت جمعیت آن را طبقات مزدبگیر کم‌درآمد تشکیل می‌دهند، به گفته‌ی علی‌خدایی (نماینده «کارگران» در شورای عالی کار) جز القای حس ناامیدی به طبقه‌ی کارگر، کارکردی ندارند؛ به گفته‌ی او، چون کارگران پول ندارند این کتاب‌ها و خدمات را برای فرزندانشان تهیه کنند، احساس ناتوانی می‌کنند و به دنبال این ناتوانی، فرزندان آنها نیز در حس سرشکستگی و استیصال غرق می‌شوند.

این شرکت‌ها و موسسات علاوه بر تهران و شهرهای بزرگ، تبلیغات زیادی را در شهرستان‌ها انجام می‌دهند. در شهرستان سطح انتظار مردم پایین‌تر و اعتماد به شبکه‌های تلویزیونی صدا و سیما بیشتر است. پس شبکه‌های عمومی‌تر مثل شبکه یک، دو و چهار محل فعالیت تبلیغی بیست و چهار ساعته‌ی این موسسات مافیایی شده‌اند و صدا و سیما جمهوری اسلامی هم با پولی که می‌گیرد کاری به راست و دروغ تبلیغات این موسسات ندارد و برایش سودجویی بیش از هر چیزی اهمیت دارد و آینده کشور از طریق تربیت و آموزش نسل جوان چندان جایگاهی برای این ارگان تبلیغاتی - تصویری حکومتی ندارد.

موسسات کنکوری پرسود، قسمت مهم کارشان را به تهیه و توزیع دی وی دی‌های درسی اختصاص داده‌اند. اما نه دی وی دی‌هایی با قیمت معمولی. هزینه‌ی تولید یک دی وی دی نهایتاً بین هزار تا هزار و صد تومان است که سه هزار تومان هم به فروش می‌رسد. اما معمولی‌ترین پکیج درسی آموزشگاه‌های کنکور ۵ دی وی دی با قیمت ۳۰۰ هزار تومان است.

دانشگاه‌های خصوصی باعث شده تا به جای حمایت از منافع مردم بیشتر بدنبال سودجویی‌های خود باشند.

چند سال پیش به گفته کوچکی‌نژاد عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی در باره درآمد این موسسات گفت: «مافیای کنکور سالانه ۸ هزار میلیارد تومان درآمد دارد». اما امروز بنا به منابع اطلاعاتی مسئولین دولتی و روزنامه‌ها و سایت‌های داخل کشور تخمین زده می‌شود که گردش مالی سالانه موسسات کنکور به ۴۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد. طبق گزارشات انتشار یافته؛ موسسات کنکور از طریق امکاناتی که برای خود درست کرده اند توانسته اند براحتی در مراکز آموزشی مانند مدارس وارد شوند و اقدام به برگزاری آزمون برای دانش‌آموزان کنکوری کنند و سوالی که هنوز بی پاسخ مانده، چرایی ورود موسسات خصوصی به دوره ابتدایی و درگیر کردن دانش‌آموزان با آزمون و تست است. باید آموزش و پرورش روشن کند که ورود موسسات خصوصی و برگزاری آزمون در

معلم خصوصی جلسه‌ای ۱,۵ تا دو میلیون تومان هزینه می‌کنند. هزینه‌ای که برای یک میلیون و ۳۰۰ هزار داوطلب کنکور کارشناسی سال ۹۹، بسیار متفاوت است. برخی زیر یک میلیون هزینه می‌کنند و برخی ۴۰۰ میلیون تومان. این آموزشگاه‌ها فقط از راه فروش دی وی دی‌ها ماهانه مبلغی در حدود ۶۰۰ میلیارد تومان درآمد کسب می‌کنند.

اصلی‌ترین کار این موسسات القای نیاز به دانش‌آموزان است. بارها در تبلیغات مختلف آنها شاهدیم که ادعا می‌کنند با خواندن یک کتاب یا خرید یک دی وی دی حتما در رشته‌ی موردعلاقه‌تان قبول خواهید شد. اما آن‌ها در تبلیغات خود هیچ اشاره‌ای به ظرفیت بیش از اندازه‌ی دانشگاه‌ها و نسبت صندلی‌های خالی به تعداد داوطلبین ورود به دانشگاه نمی‌شوند. بسیاری از معلم‌ها و اساتید دانشگاه و کارشناسان امور آموزشی بارها نظرشان را در باره این موسسات اعلام کرده‌اند که این شعارها و حتی روش‌های آموزشی درباره‌ی چگونگی تست زدن و درس خواندن هیچ پایه‌ی علمی و حتی قابلیت عملی شدن هم ندارند. اما با وجود این، این موسسات با خیال آسوده به فعالیت پر رونق خود ادامه می‌دهند.

ارتباط نزدیک صدا و سیمای جمهوری اسلامی با مافیای کنکور

اسم موسسات آموزشی کنکور و ادعاهای وسوسه انگیزشان برای ورود به دانشگاه و موفقیت در آن برای اولین بار از شبکه‌های مختلف صدا و سیما پخش شد. صدا و سیمای جمهوری اسلامی نیز دائماً در حال تبلیغات موسسات مربوط به کنکور و کتاب‌های کمک آموزشی آن است. بنا به اطلاعاتی که در سایت‌ها و روزنامه‌های ایرانی انتشار یافته است، هر برنامه‌ی چهل دقیقه‌ای موسسات کنکور در صدا و سیما، ۱۰۰ میلیون تومان هزینه دارد. و قیمت تبلیغات ماهانه آنها در صدا و سیما بیش از ۵۰۰ میلیارد تومان است. این موسسات ظرف سال‌های گذشته با همین مبالغ توانایی تبلیغ در رادیو، روزنامه‌های پرتیراژ، مجلات پرخواننده و حتی هواپیماها را هم به دست آورده‌اند. رابطه‌ی نزدیک برخی مسئولین رانت خوار حکومتی با موسسات کنکوری و

مدارس ابتدایی چه سودی را برای دانش‌آموزان دارد؟ در واقع ما شاهدیم که شیوه سنجش و پذیرش دانشجو به شیوه تست‌زنی، مدیران و معلمان را به چالش می‌کشد تا آنها مجبور شوند از کتاب‌های انتشارات موسسات آموزشی در کلاس درس خود استفاده کنند.

فرار و معافیت مالیاتی مافیای کنکور

مسئولین ارگان‌های مختلف سه قوه جمهوری اسلامی آمارهای مختلفی از ۴۰ تا ۱۰۰ میلیارد تومان فرار مالیاتی را مطرح می‌کنند اما طبق برآورد مراکز پژوهشی، حدود ۱۵۰ هزار میلیارد تومان فرار مالیاتی در اقتصاد ایران وجود دارد. در سال گذشته بنا به اطلاعاتی که انتشار یافته روشن شده است: «۳۰۰ هزار خانوار ثروتمند فاقد کد مالیاتی هستند و فرار مالیاتی دارند». رئیس سازمان امور مالیاتی با تایید این عدد، گفته بود: «بررسی لیست بانکی تراکنش‌های مالی حدود ۳۰۰ هزار نفر که درآمدهای میلیاردی دارند نشان داد نیمی از آنان مودی مالیاتی نبودند و نیم دیگر هم کمتر از آنچه لازم است مالیات می‌پردازند». در آمار دیگری می‌توانیم ببینیم که در حدود ۴۰ درصد اقتصاد کشور از مالیات معاف است و این امر، در کنار پایین بودن نرخ‌های مالیاتی و فرارهای مالیاتی گسترده، باعث شده میزان درآمدهای مالیاتی در کشور به نسبت حجم اقتصاد، پایین باشد. قصد ما از این مثال‌ها این می‌باشد که نشان دهیم حجم فرار مالیاتی و معافیت از آن در کشور رقم بسیار بالایی را به نفع ثروتمندان، سرمایه‌داران و مسئولین و نهادهای حکومتی و... تشکیل می‌دهند.

برای حمایت از خود دارد، این موسسات علیرغم سودهای کلان میلیاردی که به دست می‌آورند اما ریالی مالیات نمی‌پردازند. در واقع موسسات کنکور که گردش مالی بسیار خوبی دارند، از قانون معافیت مالیاتی برخوردار هستند. نماینده خمینی‌شهر در مجلس شورای اسلامی با اشاره به گردش مالی بالای موسسات کمک آموزشی و کنکور، افزود: گردش مالی در این حوزه ۴۰ هزار میلیارد تومان تخمین زده شده که اگر به درستی از این مؤسسات مالیات اخذ شود، رقمی معادل ۶ هزار میلیارد تومان به درآمد مالیاتی کشور اضافه خواهد شد. با این پول می‌توان برخی خواست‌های بر زمین مانده مزدبگیران در دو نمونه زیر را به اجرا درآورد:

یک- یکی از خواست‌های معلمان و پرستاران بازنشسته، اجرای طرح همسان‌سازی می‌باشد؛ اعتبار همسان‌سازی در لایحه بودجه ۹۹، رقمی در حدود ۶ هزار میلیارد تومان برآورد شده است. اگر معافیت مالیاتی موسسات آموزشی کنکور برداشته شود، اعتبار کافی برای اجرای کامل طرح همسان‌سازی بوجود می‌آید.



این واقعیتی است که مافیای کنکور دستان پرقدرتمندی در حکومت

دو- معلمان خواهان اجرای دقیق طرح رتبه‌بندی می‌باشند و در لایحه بودجه ۹۹ برای انجام اینکار یک اعتبار ۳ هزار میلیارد تومانی در نظر گرفته شده که این درصد بسیار ناکافی ست و باید حداقل دو برابر شود؛ با برداشتن معافیت مالیاتی موسسات آموزشی کنکور، می‌توان چنین اعتباری را فراهم کرد.

چنانکه در این بخش گفته شد اقتصاد کنکور، اقتصاد پررونقی برای مافیای کنکور است. اگر گردش مالی این حوزه ۴۰ هزار میلیارد تومان باشد معادل کل درآمد نفتی سال ۹۹ است یا رقمی معادل یارانه نقدی سالانه. اما اگر رقم حدود ۷۰ هزار میلیارد تومان باشد، درآمد موسسات کنکور از درآمد نفت هم بیشتر است.

ما در بالا از درآمد مدارس و موسسات کنکور در بخش آموزش و آزمون صحبت کردیم اما در اینجا درآمد انتشاراتی‌های کنکور که کاملاً برای سوجویی انجام می‌گیرد نیز نباید فراموش شود.

انتشاراتی‌های کنکور و کتب کمک آموزشی یکی از پردرآمدترین بخش‌های مافیای کنکور است. در سال ۹۸، تعداد کل دانش‌آموزان در همه مقاطع حدود ۱۴ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر بوده است. اگر هر کدام به صورت میانگین ۲ میلیون تومان برای خرید کتاب هزینه کند گردش مالی این حوزه به ۳۰ هزار میلیارد تومان هم می‌رسد. در این بخش از نوشته روشن است که اعطای غیرهدفمند معافیت مالیاتی در کشور علاوه بر کاهش درآمدهای مالیاتی، پیامدهایی نظیر فساد، رانت، عدم شفافیت، پولشویی، بی‌عدالتی و... را در مراکز آموزشی جمهوری اسلامی به دنبال آورده است.

موضوع «سهامیه‌ها» در کنکور مراکزی آموزش عالی

«سهامیه» واژه‌ای که سال‌هاست با کنکور عجین شده است. در مراکز آموزش عالی در مقاطع مختلف در حدود ۱۹ سهامیه وجود دارد. در ابتدای برگزاری کنکور این موضوع محدود به سهامیه‌های بومی بود؛ یعنی تنها برای مناطق محروم، آن هم تنها در برخی رشته‌ها مطرح بود. پس از انقلاب، شورای عالی انقلاب فرهنگی در بازنگری کلی مواد آزمون و سهامیه‌های پنج‌گانه مناطق و سهامیه‌های آزاد را به سه

سهامیه تقلیل داد، اما پس از آن سهامیه‌های متفاوت دیگری با توجه به شرایط کشور به وجود آمد. برای مثال پس از جنگ، مجلس شورای اسلامی سهامیه‌هایی را برای «فرزندان و خانواده شهدا»، و «ایثارگران و جانبازان» و رزمندگان و پس از آن برای بومی‌گزینی، بومی منطقه‌ای، بومی قطبی و بومی ناحیه‌ای، سهامیه‌های قهرمانان، حافظان قرآن، بهیاران و کشاورزان و حتی تسهیلاتی را برای فرزندان هیات‌علمی در نظر گرفت. منتقدان این امتیازات ویژه را نشانه‌ای آشکار و ناعادلانه از «رانتی حکومتی» می‌دانند که نمونه آن تنها در حکومت‌های ایدئولوژیک و دیکتاتور در جهان دیده می‌شود.

در ضمن در ایران کنکور تنها به دلیل شکاف طبقاتی میان داوطلبان مرفه و غیر مرفه و فاصله‌ی عمیق کیفیت آموزشی در مناطق مختلف ایران مورد انتقاد واقع نمی‌شود بلکه وجود «سهامیه‌ها» در آزمون سراسری نیز از دیگر موضوعات مورد انتقاد بسیاری از مخالفان کنکور است.

که با شعارهای سپردن کار مردم به مردم، خودگردانی دانشگاه‌ها و ... کاملاً در جهت تامین منافع اقتصادی و سیاسی صاحبان قدرت در جمهوری اسلامی عمل کرده است. روند پولی‌سازی مراکز آموزش عالی و مدارس در نهایت به کالایی شدن آموزش منجر شد، و در این وضعیت آموزش، کالایی است که در بازار خرید و فروش می‌شود و دولت هم هر روز کمتر و کمتر در مقام حمایت از ارزان ماندن آموزش تلاش می‌کند. خصوصی‌سازی آموزش برخلاف اصل سوم و سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی است و سالهاست که به یکی از شاهراه‌های اصلی اختلاف طبقاتی تبدیل شده است. عبارت شوخ طبعانه‌ی «توانا بود هر که دارا بود» واقعیت انکارناپذیری است که نمی‌شود به سادگی آن را نادیده گرفت. پولدارها کسانی هستند که با ثبت نام در مدارس پولی توانسته‌اند آموزش را مثل هر کالای دیگری بخرند. آمارهای بسیاری نشان می‌دهند موفقیت در کنکور با وضعیت مالی افراد گره خورده است. آمارهای منتشر شده از نفرات برتر کنکور سال ۹۸ نشانگر این واقعیت اند که رتبه‌های برتر امسال برای کسانی است که

با مرور با افزایش سهمیه‌ها رفته‌رفته انتقادات نسبت به آن شروع شد. اهمیت پیدا کردن تحصیلات تکمیلی و توجه به رشته‌های پزشکی که به‌طور معمول ظرفیت کمتری دارند، از جمله دلایلی بود که مخالفت‌ها را ظرف سالهای گذشته جدی‌تر کرد. البته اعتراضات در کنکور ارشد پزشکی بیشتر بوده است. زیرا در این رشته‌ها به علت ظرفیت محدود طبق اطلاعاتی که انتشار یافته است حتی برخی نفرات برتر نیز نتوانستند در دانشگاه مورد انتظار خود قبول شوند. همچنین اعلام رئیس سازمان سنجش مبنی بر اینکه در حدود یک‌سوم قبول‌شدگان رشته‌های پزشکی پرترفدار را داوطلبان «سهمیه‌ای» تشکیل می‌دهند، توجه داوطلبان، دانش‌آموزان و دانشجویان را به خود جلب کرد. افزایش اعتراضات باعث شد مسئولان در خصوص تغییر و حذف سهمیه‌های مختلف اظهار نظر کنند و در پایان لایحه‌ای را تصویب کنند. در لایحه‌ی جدید تنها به سه نوع سهمیه یعنی سهمیه آزاد، مناطق و ایثارگران اشاره شده است و از مجموعه سهمیه‌ها تنها سه نوع آن در آزمون سراسری کنکور باقی خواهد ماند. البته هنوز با اجرایی شدن این لایحه فاصله وجود دارد. اما دانش‌آموزان و پشت کنکوری‌ها و دانشجویان در مراکز دانشگاهی می‌بایست پیگیرانه خواهان حذف تمامی سهمیه‌ها و امتیازهای ویژه از مراکز آموزش عالی شوند.

پولی، کالایی و طبقاتی شدن آموزش

در جمهوری اسلامی کالایی‌سازی آموزش در ادامه روند پولی‌سازی آموزش بوجود آمده، و بیش از یک دهه است که خواست مشترک بسیاری از اعتراضات بخش‌های از اساتید، معلمان، دانشجویان و کارگران به نظام آموزشی کنونی کشور است. طرفداران کالایی‌سازی آموزش، ارائه آموزش را نه فقط یک حق برای همه‌ی اقشار جامعه بلکه نوعی کالا برای خرید و فروش و کسب سود اقتصادی مطرح می‌کنند. پس از ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی هر دولتی که در جمهوری اسلامی بر سر قدرت آمده سیاست‌هایی را اتخاذ کرده که با توجه به آن، حوزه‌ی آموزش رایگان را در جامعه محدود و محدودتر کرده است. تبدیل مراکز آموزش عالی به بنگاه‌های تجاری و اقتصادی

مدارس دولتی و غیرانتفاعی است و در این میان کیفیت آموزش در مدارس غیرانتفاعی با مدارس دولتی اصلاً قابل مقایسه نیست. در واقع آمارهای فوق نشانگر بی‌عدالتی و شکاف عمیق آموزشی میان بخش‌های مختلف جامعه و طبقاتی شدن آن است. نتیجه‌ی پولی‌سازی آموزش؛ کالایی شدن آموزش، پایین آمدن کیفیت مدارس دولتی، افزایش شکاف طبقاتی، از بین رفتن شانس برابر در آزمون سراسری کنکور می‌باشد.

سه‌م «صفر درصدی» مدارس دولتی در نفرت برتر کنکور
ما در ایران ۲۴ نوع مدرسه داریم که این تنوع طبقاتی نماد تبعیض آموزشی و افزایش شکاف در عدالت آموزشی است. مدارس دولتی، غیردولتی، نمونه دولتی، شاهد، تیزهوشان (مدرسه وابسته به سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان موسوم به سمپاد)، ایثارگران، هیات امنایی، عشایری، شبانه‌روزی، قرآنی، آموزش از راه دور، هوشمند و استثنایی نمونه‌هایی از این مدارس هستند. شهریه‌ی مدارس همچون مدرسه موسوم به تیزهوشان تا سالانه ۲۰ میلیون تومان و برخی

هزینه مالی بیشتری برای موفقیت در کنکور خرج کرده‌اند. کسانی که به جای مدارس دولتی در مدارس خاص و یا مدارس غیرانتفاعی درس خوانده‌اند.

در اصل در ایران کنکور در خدمت کسانی است که پول دارند. نظام آموزشی ایران دچار یک نابرابری آموزشی شده و این وضع در سال‌های اخیر بدتر نیز شده است. «حذف بی‌پول‌ها از چرخه‌ی آموزش» و «دیوار بلند میان دانش‌آموزان مرفه و غیرمرفه»، از قول مجید حسینی، استاد دانشگاه تهران که در مقاله‌ای نوشت: «مدارس غیرانتفاعی»، «کلاس‌های زبان»، «مافیای کنکور»، «اردوهای کنکور» و صدها عنوان پولی دیگر در آموزش و پرورش شکل گرفته که باعث شده طبقات بالا بهترین سهم از آموزش را در کشور داشته باشند.

آماري که توسط روزنامه‌ی فرهیختگان منتشر شده هم این موضوع را تایید می‌کند؛ «بیش از ۷۰ درصد رتبه‌های برتر کنکور امسال در رشته‌های ریاضی، تجربی و انسانی دانش‌آموزان سمپاد هستند. سهم غیرانتفاعی‌ها ۱۴ درصد و نمونه دولتی‌ها ۱۳ درصد است. ۹۱ درصد نفرت برتر شهرستانی در مدارس سمپاد درس خوانده‌اند و تنها ۹ درصد آنان در مدارس غیرانتفاعی و دولتی تحصیل کرده‌اند. ۶۶ درصد دانش‌آموزان تهرانی که جزو نفرت برتر کنکور ۹۸ هستند در مدارس غیرانتفاعی و نمونه دولتی درس خوانده‌اند و ۳۳ درصد آنان دانش‌آموزان مدارس سمپاد هستند.»
ابراهیم سحرخیز، معاون سابق وزارت آموزش و پرورش در این رابطه می‌گوید: «نتایج اخیر یک واقعیت را به ما نشان می‌دهد، ۶۰ درصد رتبه‌های برتر متعلق به تهران هستند و ۴۰ درصد دیگر استان‌ها در مدارس خاص تحصیل کرده‌اند.» او در ادامه تاکید کرد که "کنکور دارای درآمد بالا و لایه‌های پیدا و پنهان و مافیایی چند هزار میلیارد تومانی است که باعث شده نظام علمی کشور دچار بحران شود و در این ماجرا عدالت نیز معنایی ندارد».

بررسی‌ها و اطلاعات انتشار یافته نشان می‌دهند که معمولاً ۴۰ نفر برتر کنکور و حتی کسانی که رتبه‌ی ۳ رقمی دارند در مدارس دولتی تحصیل نکرده‌اند. همه‌ی این واقعیت‌ها نشان از شکاف عمیق میان

مدارس خصوصی تا ۵۰ میلیون تومان اعلام شده است. طبق آمار ارائه شده از سوی حجت‌اله طالبیان بروجنی، سهم دانش‌آموزان مدارس سمپاد در نفقات برتر کنکور امسال ۷۳ درصد، دانش‌آموزان مدارس نمونه دولتی ۱۳ درصد، غیرانتفاعی ۱۴ درصد و سهم دانش‌آموزان مدارس دولتی در نفقات برتر آزمون سراسری صفر درصد بوده است.



به گفته سرپرست وزارت آموزش و پرورش ایران، استان تهران ۴۶ درصد، استان‌های آذربایجان شرقی و فارس ۱۰ درصد، استان اصفهان ۷ درصد، استان خراسان رضوی ۹ درصد و استان‌های خوزستان و مازندران ۲,۴ درصد از قبولی‌های کنکور سال ۹۸ را به خود اختصاص داده‌اند.

آمار اعلام‌شده از سوی جواد حسینی، سرپرست وزارت آموزش و پرورش ایران، نشان می‌دهد که تنها پنج تا شش استان بیش از ۸۰ درصد قبولی‌های کنکور را به خود اختصاص داده‌اند. از سوی دیگر، نفقات برتر کنکور سال ۹۸ در ایران از مدارس خاص و غیردولتی هستند و جای دانش‌آموزان مدارس دولتی در میان نفقات برتر خالی است.

سیستم آموزشی، عامل اصلی بیکاری

در ایران دانش‌آموزان پس از ۱۲ سال تحصیل در مدرسه برای رسیدن به کنکور و پرداخت هزینه‌های گزاف باید وارد دانشگاه شوند و در رشته‌های مهندسی و پزشکی تحصیلات خود را ادامه دهند. این در حالی است که دانش‌آموزان با تفکری سنتی در رشته‌هایی که شاید علایقشان نیست تحصیل می‌کنند. این سیستم سال‌هاست که تکرار

سیستم آموزشی کشور، آموزش و مهارتی را در اختیار جوانان قرار نداده است. به همین دلیل جوانان پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه دچار سردرگمی می‌شوند و اغلب پس از پایان دوره تحصیل خود

می‌شود و سال‌ها بی‌نتیجه مانده است. نتایج این سیستم معضل بیکاری، افسردگی و اعتیاد جوانان است. تجربه نشان داده است که آموزش مهارت به تنهایی کفایت نمی‌کند و اشتغال شرط اثربخشی آموزش‌هاست. اگر بازار کار در کشور فعال نباشد و فرصت شغلی برای جوانان فراهم نشود در ادامه خواهیم دید که در کنار ۳,۵ میلیون فارغ التحصیل بیکار دانشگاهی، فارغ التحصیلان مدارس که مهارتی را فراگرفته‌اند نیز بیکار خواهند ماند.

که برگزاری آزمون سراسری کنکور می‌بایست در یک فضای کارشناسی اتخاذ شود و نباید کارشناسان را تحت فشار قرار داد. اعمال فشار در چنین وضعیتی موجب آسیب‌های جدی به جامعه می‌شود.

در واقع سیستم آموزشی می‌تواند با آموزش درست و ارائه مهارت‌های اساسی به دانش‌آموزان، راه کسب‌وکار را به فرد بیاموزد و بیکاری را کاهش دهد. اگر هر فرد در دوران مدرسه علائق و استعداد خود را پیدا کند و به‌جای صرف وقت برای تحصیل در دانشگاه‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد، به کار بپردازد یا مهارت‌هایش را تقویت کند؛ قطعاً شاهد کاهش بیکاری خواهیم بود. در واقع هر فرد باید به‌جای تحصیلات عالی، وقت و انرژی خود را در زمینه‌های علائقش خرج کند.

پنج - باید از استرس، اضطراب و نگرانی‌های داوطلبان کنکور سراسری و خانواده‌ها و کلاً مردم کاسته شود و با دادن آمارها و اطلاعات دقیق موجب آرامش و آسایش داوطلبین و خانواده‌های آنها شد.

شش - باید فاصله‌گذاری‌ها برای برگزاری آزمون سراسری در شرایط مطلوب فراهم شود و تعداد سالن‌ها و حوزه‌هایی که کنکور در آنجا برگزار می‌شود افزایش یابد.

هفت - برگرداندن وجه مثبت‌نام به داوطلبانی که می‌خواهند از شرکت در آزمون سراسری کنکور انصراف دهند می‌بایست عملی گردد.

هشت - تا زمانی که واکسن کرونا کشف و وارد کشور نشده (درمان قطعی)، حتی در صورت به وجود آمدن شرایط ایمن برای برگزاری آزمون‌ها، وزارت علوم و بهداشت

برگزاری آزمون سراسری کنکور نیاز به اجرای تمهیدات زیر دارد:

یک - آزمون سراسری تنها زمانی می‌تواند برگزار شود که بیماری کرونا کنترل شده باشد و شرایط استان‌های کشور سفید و ایمن و تعداد مبتلایان دو رقمی و مرگ و میر روزانه یک رقمی یا صفر باشد. دو - پس از طی شرایط بند اول در هنگام برگزاری آزمون سراسری کنکور اجرای پروتکل‌های بهداشتی و سخت‌گیرانه طبق معیارهای سازمان بهداشت جهانی اعمال شود. زیرا برگزاری کنکور با پروتکل‌های فعلی «شدنی نیست».

سه - برگزاری آزمون سراسری کنکور به زمانی موکول شود که از جنبه فضا و امکانات بشود تمام ضوابط و دستورالعمل‌های ابلاغی وزارت بهداشت را فراهم و رعایت کرد؛

چهار - بخشی از دولت به وزارت بهداشت و کارشناسان ستاد ملی کرونا برای برگزاری آزمون سراسری کنکور فشار می‌آورد؛ در حالی

آزمون سراسری کنکور در پایان مردادماه در شرایط قرمز که می تواند موجب گسترش اپیدمی کرونا در سراسر کشور شود به عهده دولت روحانی و ارگان ها و رهبران حکومت اسلامی ایران است. اعتراضات و مخالفت ها می بایست هر چه رساتر و مدنی تر اعلام شود و پیگیرانه برای عدم برگزاری آزمون سراسری کنکور تلاش همه جانبه ای توسط داوطلبین، خانواده ها و نهادهای مدنی کشور انجام شود.



پایان سخن

سال هاست که کنکور به عنوان یکی از مهم ترین رویدادهای جوانان به حساب می آید. با این وجود به گفته برخی از روانشناسان ۴۰ درصد از جوانانی که دچار افسردگی شده اند، ریشه در آزمون سراسری کنکور دارند. همین امر موجب شده فشارهای روانی که جامعه، خانواده و محیط به دانش آموزان وارد می کند، مانع

موظف است سلامت تمامی داوطلبان و خانواده هایشان را تضمین نماید و در صورت ابتلا اقدام به پرداخت خسارت نماید.

نه- ورزشات علوم می تواند در صورت عدم امکان برگزاری آزمون سراسری کنکور شرایط و سازوکارهای لازم برای برگزاری آزمون به صورت مجازی و آنلاین را تدارک ببیند.

ده- برای دانش آموزان که به هر دلیل بهداشتی و یا عدم آمادگی در کنکور علاقه مند به شرکت در آزمون کنکور سراسری نیستند، یک سال فرصت نظام وظیفه برای پسران برای مطالعه و آمادگی در سال آینده فراهم شود.

یازده- بعد از تعویق ریزنی ها برای برگزاری یا عدم برگزاری کنکور در سطوح مختلف کارشناسی و نیز با اطلاع رسانی و مشارکت دادن داوطلبین از طریق نظرسنجی، اقدامات و تصمیمگیری های ضروری انجام شود.

دوازده- با توجه به تبعاتی که کنکور در فضای روانی و اجتماعی جامعه و به ویژه در میان داوطلبین جوان دارد لزوم به کارگیری روش های جایگزین بیش از پیش ضروری می شود و مناسب است در این زمینه برای راه جویی از معلمان، اساتید و کارشناسان آموزشی مدارس کشور استفاده بهینه شود.

سیزده- پدیده ی کنکور موجب به حاشیه رفتن پرورش، سطحی شدن آموزش، غفلت از خلاقیت، کم رنگ شدن مشارکت و هدایت دانش آموزان از بطن جامعه به خلوت خانه شده است و این وضعیت موجب تربیت نخبگانی خودمحور به جای شهروندانی دغدغه مند شده است. چنین سیستمی با کار کارشناسی می بایست دگرگون شود.

با توجه به وضعیت کرونایی و قرمز کشور و وضعیت گسترش سریع این بیماری و مرگ و میر حاصل از آن، زمان کافی برای اجرای مطالبات سیزده گانه بالا که خواسته های بسیاری از داوطلبین آزمون سراسری کنکور کشور است وجود ندارد. بنابراین برگزاری آزمون سراسری کنکور در پایان مرداد ماه بدلیل خطری که جامعه را تهدید می کند منطقی و عقلا نمی بایستی برگزار شود. مسئولیت برگزاری

از این شود که جوان تمام قوای خود را برای رسیدن به موفقیت به کار گیرد.

منابع:

- [رقم واقعی فرار مالیاتی در اقتصاد](#)

[ایران چقدر است؟](#) - مشرق

- [۴۰ درصد اقتصاد کشور از مالیات](#)

[معاف است](#) - مشرق

- دانش‌آموزان فقیر قربانی "نظام

طبقاتی آموزش کشور" / افزایش

حقیقتی تلخ بر اساس آمار کنکور

- از سوژه امتحان نهایی «فارس

من» که به نتیجه رسید تا

دلنگرانی کنکوری‌ها- فارس

- [غیبت ۳۰ درصد از داوطلبان](#)

[آزمون دکتری سال ۹۹](#) - قطره

- سایت های وزارت بهداشت،

علوم، آموزش و پرورش، مجلس

شورای اسلامی، ایرنا، مشرق،

تسنیم‌نیوز، تابناک، خبر فارسی،

ایلنا، اقتصاد آنلاین، همشهری، بی

بی سی، انتخاب، دویچه وله، ایسنا،

شرق، آفتاب نیوز و...

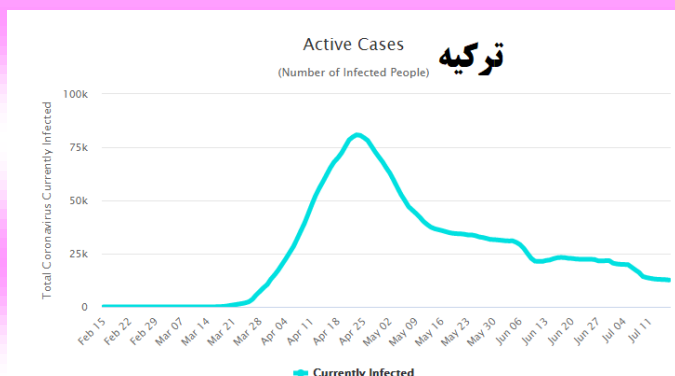
آزمون سراسری کنکور در سال ۸۶-۸۵ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد که حذف شود و در سال‌های ۹۱ و ۹۲ اصلاحاتی در آن مصوبه ایجاد شد. با وجود تصویب قانون و تدارک برای حذف کنکور برای ورود به برخی رشته‌ها در مراکز آموزش عالی اما آموزش و پرورش و وزارت علوم تا امروز نتوانسته‌اند زیرساخت‌های لازم برای حذف کنکور ایجاد کنند. نتیجه این شد که آزمون سراسری کنکور توانست به زندگی خود ادامه دهد.

این واقعیتی است که مسئولان آموزش و پرورش و علوم کشور دارای نگاه سیستمی به تحولات جامعه نیستند. در ضمن با حکومتی که دارای اقتصادی رانتی، فرهنگی بسته و سیاستی اقتدارگراست نمی‌شود نسلی توانمند و اخلاق‌مدار برای جامعه تربیت کرد.

چنین حکومتی با خصوصی‌سازی آموزش و پرورش و کالایی ساختن آموزش و جلوه‌های آن از جمله پولی شدن آموزش، طبقاتی شدن مدارس و آموزش عالی، کم‌رنگ شدن اصل عدالت آموزشی و افت کیفی مدارس دولتی برابری شانس‌ها را در جامعه از بین برده است. در این میان با کالایی کردن بهداشت، مسکن و حتی منابع طبیعی که اصولاً باید در دسترس همگان باشد، به شدت حوزه‌ی حضور اجتماعی و حق حیات مردم را تنگ کرده‌اند. جوانان و دانشجویان با

کالایی شدن آموزش از حق بالارفتن از نردبان پیشرفت در همین ساختار موجود در کشور هم محروم شده‌اند. چون دانش و مهارت انسانی قابل مبادله در بازار، یکی از منابع قدرت است که جایگاه طبقاتی افراد را تعیین می‌کند و این مزیت نیز عمده‌تاً از طریق آموزش کسب می‌شود، وقتی آموزش مشمول منطق کالایی می‌شود، امکان بازتولید و تشدید ساختار طبقاتی جامعه بیش از پیش فراهم می‌شود. در چنین فضایی است که مافیای کنکور با موسساتی سودجو ساکنان آموزش کشور می‌شوند و جامعه در این بین آسیب‌های جدی و جبران ناپذیر می‌بیند.

ترکیه و برگزاری کنکورها در اوضاع کرونا ترجمه از لایا اکبریان



اعمال محدودیت‌های آمدوشد درون و میان شهرها، بستن زودهنگام مرزها از مبداهای با تعداد بالای ابتلا به کرونا، اعمال محدودیت طولانی‌مدت در مشاغل پرخطر، اجباری شدن استفاده از ماسک و چندین مورد دیگر به ترکیه کمک کرد تا سیر ابتلا به کووید-۱۹ در این کشور نزولی شود.

موضوع این مطلب اکیداً مقایسه‌ی شیوه‌ی مدیریت دو کشور ایران و ترکیه در مساله‌ی کرونا نیست. برگزاری آزمون‌های ورودی دبیرستان و دانشگاه در ترکیه در میانه‌ی بحران کرونا، می‌تواند به عنوان تجربه‌ای «اجتماعی» در زمینه‌ی برگزاری کنکور در ایران در نظر گرفته شود.

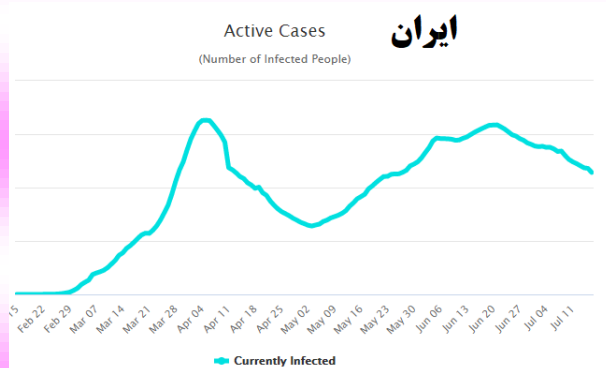
با وجود اینکه در زمان برگزاری این آزمون‌ها وضعیت ترکیه در کنترل کووید-۱۹ بسیار بهتر از ایران بود، اما جامعه‌ی مدنی این کشور، دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها، با برگزاری آزمون به شدت مخالف بودند. با وجود تمام اما و اگرها، دولت در نهایت این دو آزمون را با شمایی ویژه برگزار کرد.

ممنوعیت عبور و مرور در شهرها در روزهای برگزاری آزمون‌ها، افزایش ده درصدی ظرفیت



ترکیه، همسایه‌ی غربی ایران، با جمعیتی نزدیک به جمعیت ایران و با تولید ناخالص داخلی تقریباً دوبرابر ایران، از جمله کشورهایی بود که در موج اول کرونا، به شدت درگیر این پاندمی جان‌سخت شد. به‌ویژه به دلیل وابستگی اقتصاد ترکیه به صنعت توریسم، این کشور از نظر اقتصادی نیز متحمل ضررهای سنگینی شد.

اما از نظر کنترل شیوع بیماری، در مقایسه میان ترکیه و ایران و با استناد به آمارهای رسمی دو کشور، می‌توان مدعی شد که ترکیه بسیار موفق‌تر از ایران ظاهر شد.



مهمی در آینده‌ی جوانان دارد و به همین دلیل به صورت معمول داوطلبین اضطراب بسیار زیادی دارند. شرکت در این آزمون‌ها در زمان پاندمی، اضطراب داوطلبین را به شدت افزایش خواهد داد. دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها به حق نگران سلامتی خود و همچنین نتیجه‌ی آزمون هستند.

با توجه به کاهش محدودیت‌های کرونایی که می‌تواند موجب افزایش شیوع بیماری شود، اعلام یک زمان مشخص برای برگزاری آزمون‌ها کار صحیحی نیست. ما به عنوان اتحادیه‌ی پزشکان ترکیه، و با رصد وضعیت رشد پاندمی کرونا، درخواست می‌کنیم تا آزمون‌ها حداقل تا زمان کنترل کامل ویروس کرونا به تعویق بیفتد.

اتحادیه‌ی پزشکان ترکیه TTB

۵ ژوئن 2020

به رغم وجود خطر کووید-۱۹، میلیون‌ها دانش‌آموز مجبور به شرکت در آزمون هستند!
چتین آکین

با وجود تداوم شیوع ویروس کرونا در ترکیه، دولت ترکیه، با اصرار بر برگزاری آزمون ورود به دبیرستان (LGS) در انتهای هفته‌ی جاری و برگزاری آزمون سراسری آموزش عالی (YKS) در انتهای هفته‌ی آینده، جان میلیون‌ها دانش‌آموز را به خطر می‌اندازد. اعلام برقراری ممنوعیت عبور و مرور در اثنای برگزاری آزمون نیز، چیزی فراتر

دانشگاه‌ها و دبیرستان‌ها و حذف بخش‌هایی از کتاب‌های درسی که باید در نیم‌سال دوم تدریس می‌شد، بخش‌هایی از این وضعیت ویژه بود.

اما این تمهیدات کافی نبودند. در سطرهای پیش رو، دو مطلب در مورد برگزاری آزمون‌ها در ترکیه می‌خوانید. اولی اطلاعیه‌ی اتحادیه‌ی پزشکان و دومی توضیحی از وضعیت از یک نویسنده‌ی چپ:

اطلاعیه اتحادیه پزشکان ترکیه TTB

برگزاری آزمون‌های ورودی دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها باید تعویق شود! سازمان بهداشت جهانی، کم کردن محدودیت‌های کرونایی را به ثابت ماندن و یا کم شدن تعداد مبتلایان در طول ۱۴ روز و همچنین کاهش منظم تعداد مرگ و میر بیماران کرونایی منوط کرده است. اما متأسفانه در کشور ما بدون توجه به این پیش‌نیازهای ضروری، محدودیت‌های کرونایی کاهش یافته‌اند و اعلام شده است آزمون‌هایی همچون آزمون ورودی به دبیرستان (LGS) و آزمون‌های آموزش عالی (YKS)، در ماه ژوئن برگزار خواهد شد. با این حال پاندمی هنوز ادامه دارد.

در روزهای آزمون، به همراه جوانان زیر ۲۰ ساله‌ای که سه ماه در قرنطینه‌ی خانگی بودند، والدین آن‌ها و مسئولین برگزاری آزمون‌ها، میلیون‌ها نفر از خانه‌هایشان بیرون خواهند آمد و از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده خواهند کرد. حتی اگر در ورود به محل آزمون و در طول آزمون، تمام مسائل بهداشتی رعایت بشود، احتمال خطر تماس و شیوع بسیار بالاست. همچنین استفاده از ماسک در یک آزمون طولانی مدت، طبیعتاً توانایی داوطلبین را کاهش خواهد داد. آزمون‌های مورد اشاره نقش

نمایشی دولتی برای مقابله با انتقادات در مورد برگزاری این آزمون‌ها نیست.

با وجود اینکه دولت در ابتدا این آزمون‌ها را تا انتهای جولای تعویق کرده بود، زمان برگزاری این آزمون‌ها به عنوان بخشی از سیاست «بازگشایی اقتصادی» به یک ماه زودتر از موعد مذکور تغییر یافت. این تصمیم نابهنجار موجب نارضایتی گسترده در میان میلیون‌ها دانش‌آموز و خانواده‌هایشان شده است. در آزمون ورودی دبیرستان‌ها (LGS) که در ۲۰ ژوئن برگزار می‌شود یک میلیون و ششصد هزار دانش‌آموز و در آزمون‌های سراسری آموزش عالی (YKS) در ۲۷ و ۲۸ ژوئن دویزده میلیون و چهارصد و سی هزار داوطلب شرکت خواهند کرد.

دولت که از ابتدای ماه ژوئن، کمابیش تمام محدودیت‌های اجباری مقابله با شیوع ویروس کرونا را در قالب برنامه‌ی نرمال‌سازی حذف کرده است، برگزاری آزمون‌ها را نیز بخشی از این نرمال‌سازی می‌داند و بر آن اصرار دارد. برای پیش‌بینی تاثیرات برگزاری این آزمون‌های چند میلیون نفری در میانه‌ی یک پاندمی مرگبار، در به خطر انداختن جان داوطلبان، نگاهی به آمار افزایش دوبرابری تعداد مبتلایان به ویروس کرونا در روز، پس از کم کردن محدودیت‌ها کافی خواهد بود.

نگرانی دولت در زمینه‌ی رشد روزافزون بحران در صنعت توریسم نیز بر تاکید و تلاش برای برگزاری هرچه سریع‌تر آزمون‌های ورودی دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها، تاثیر مستقیم دارد. دولت اردوغان، با توجه به شرایط جاری که ظرفیت جذب توریست خارجی در آن تقریباً به صفر رسیده است، تلاش

دارد با برگزاری هرچه سریع‌تر آزمون‌ها، ظرفیت توریسم داخلی را فعال کند.

مسئولین اتحادیه‌ی پزشکان ترکیه (TTB) در نشست خبری خود در ۱۲ ژوئن و در مورد وضعیت شیوع بیماری کرونا اعلام کردند «ترکیه هفدهمین کشور پرجمعیت دنیاست. اما در ماه سوم وقوع پاندمی کرونا، از نظر تعداد مبتلایان، در ردیف دوازدهم جهان قرار گرفته است.» این پزشکان همچنین اضافه کردند «ترکیه از نظر تعداد مرگ و میر ناشی از کرونا در رتبه‌ی هفدهم دنیا قرار دارد» با این وجود «باید به شباهت‌های وضعیت ایران و ترکیه توجه نشان داد.» در حال حاضر ایران شاهد روزانه ۲۵۰۰ مورد ابتلای جدید و بیش از ۱۲۰ نفر فوتی در اثر کرونا است.

اتحادیه‌ی پزشکان ترکیه در ۵ ژوئن نیز در اطلاعیه‌ای با تیتیر «برگزاری آزمون‌های ورودی دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها باید تعویق شود.» اعلام کرده بود «ما به عنوان اتحادیه‌ی پزشکان ترکیه، و با رصد وضعیت رشد پاندمی کرونا، درخواست می‌کنیم تا آزمون‌ها حداقل تا زمان کنترل کامل ویروس کرونا به تعویق بیفتد.»

پس از اعلام برگزاری آزمون‌ها در ماه ژوئن، صدها هزار دانش‌آموز و مدافعان آن‌ها با ترتیب دادن اعتراضاتی در فضای مجازی، خواستار آن شدند که آزمون‌ها طبق توصیه‌ی پزشکان متخصص، تا زمان کنترل پاندمی کرونا به تعویق بیفتد. این اعتراضات به‌ویژه با هشتگ [#TurkishStudentsLivesMatter](https://www.tiktok.com/tag/TurkishStudentsLivesMatter) که نمادی از اعتراضات توده‌ای در آمریکا است انجام شد.

در عین حال ضیا سلجوق، وزیر آموزش ترکیه در روز ۱۵ ژوئن در تلویزیون استار تصمیمات و پیش‌بینی‌های دولت برای برگزاری آزمون‌ها را اعلام کرد. به داوطلبان پیش از آزمون ماسک داده خواهد شد، فاصله‌گذاری اجتماعی رعایت خواهد شد، محل‌های آزمون ضدعفونی خواهند شد و امثالهم. هرچند وزیر آموزش در این برنامه‌ی تلویزیونی متعهد شد که با برگزاری آزمون، خطری متوجه سلامتی شهروندان نخواهد شد، خبری در همان روز منتشر شد که این تعهدات را بی‌اعتبار می‌کرد.

به گزارش نشریه‌ی «کوجائلی باریش»، در آزمون ورودی دانشگاه دفاع ملی برای ورود به ارتش، که حدود چهارصد هزار داوطلب در آن شرکت کرده بودند، اتفاقی افتاد که می‌تواند یک هشدار جدی در مورد برگزاری آزمون‌های آینده تلقی شود. در دانشگاه کوجائلی، با بدحال شدن یکی از دانش‌آموزان، برگزارکنندگان آزمون مجبور شدند او را به یک کلاس خالی تا پایان آزمون منتقل کنند. آزمایش کووید-۱۹ این دانش‌آموز مثبت شد و ۱۲ دانش‌آموز و ۴ مراقب که در آن سالن حضور داشتند، به مدت ۱۴ روز مجبور به قرنطینه در بیمارستان شدند. همچنین مشخص شد در ورودی محل برگزاری آزمون، تب داوطلبان سنجیده نشده است. در مناطق دیگر نیز داوطلبان و خانواده‌های آنها در فضای مجازی نوشتند که هنگام ورود به آزمون تب‌سنجی نشده‌اند. همین مورد مشخص نشان می‌دهد برگزاری آزمون در این شرایط به اندازه‌ی کافی امن نیست و موجب گسترش شیوع ویروس کرونا در میان بخش وسیعی از مردم خواهد شد.

دکتر سردار ساواش متخصص بهداشت عمومی که در دهه‌ی ۱۹۹۰ در بخش اروپای سازمان بهداشت جهانی مشغول به کار بوده است در گفتگویی در این زمینه ضمن متهم کردن دولت به استفاده از «ایمنی گله‌ای» گفت «آزمون‌های ورودی دبیرستان و دانشگاه در پیش رو هستند. با برگزاری این آزمون‌ها سلامتی میلیون‌ها نفر به خطر می‌افتد. این مثل تلاش برای بیشتر کردن شیوع بیماری است. نزدیک به ده میلیون نفر با این سیاست درگیر بیماری خواهند شد.»

میلیون‌ها جوان مجبور خواهند شد زندگی خود، اعضای خانواده و همچنین دوستانشان را به خطر بیندازند. علاوه بر این باید دانش‌آموزانی را در نظر گرفت که به دلیل بیماری‌های زمینه و یا ضعف سیستم ایمنی بدن، در مقابل ویروس کرونا مقاومت کمتری دارند. دانش‌آموزان و جوانان میان به خطر انداختن جان خود و اعضای خانواده و یا عدم شرکت در آزمون و به خطر انداختن آینده‌شان مجبور به انتخاب شده‌اند.

وزیر آموزش، بدون توجه به اهمیت حفظ سلامت دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان، گفته است «اگر داوطلبانی مبتلا به کووید-۱۹ باشند، برای آنها مکان‌های ویژه‌ای برای شرکت در آزمون در نظر گرفته شده است. آنها می‌توانند در این مکان‌ها در آزمون شرکت کنند.» او حتی اضافه کرده است که داوطلبان می‌توانند در بیمارستان هم در آزمون شرکت کنند.

احزاب بورژوازی مخالف دولت مستقر نیز در موضع‌گیری نسبت به برگزاری این آزمون، تفاوت چندانی با دولت فعلی نداشتند و ثابت کردند در

سیاست‌های سرمایه‌محور موجود، تاکنون جان هزاران نفر را گرفته است و جان هزاران نفر دیگر را نیز تهدید می‌کند. پاندمی به جوانان در سرتاسر جهان نشان داد، تنها راه جان به در بردن از وضعیت موجود، مبارزه‌ی متحد علیه سرمایه‌داری است.

اجرای سیاست‌های سرمایه‌داری، حتی به قیمت به خطر انداختن جان میلیون‌ها نفر، اختلاف نظر ماهوی با دولت ندارند. کمال کیلیچداراوغلو، لیدر حزب جمهوری‌خواه خلق (CHP) در سخنرانی‌اش در ۱۶ ژوئن به جوانان توصیه کرد «بهتر تلاش کنید. مصمم‌تر تلاش کنید!» و به اعضای حزب که در شهرهای مختلف مسئولیت دارند نیز گفت که ماسک در اختیار همه‌ی دانش‌آموزان بگذارند!

در هر حال، وضعیت موجود برای جوانان ترکیه چه از نظر تحصیلی و چه از نظر اشتغال، چندان امیدبخش نیست. دولت که در ۱۸ سال اخیر بخش عمده‌ی آموزش را خصوصی و بی‌کیفیت‌تر کرده است دانش‌آموزان را وادار به تلاش برای موفقیت در آزمون می‌کند. آزمونی که حتی اگر بتوانند در نتیجه‌ی آن وارد دانشگاه بشوند، باز هم آینده‌ی شغلی چندان‌ی نخواهند داشت.

بر اساس گزارش «پلتفرم جوانان بیکار» در مورد بیکاری که با تکیه بر منابع رسمی تهیه شده است، در میان جوانان مابین ۱۵ تا ۳۴ ساله، بیش از دو میلیون نفر بیکار هستند. ۷۰۷ هزار نفر از این آمار، فارغ‌التحصیل دانشگاه هستند.

وضعیت بحرانی‌ای که جوانان طبقه‌ی کارگر با آن روبرو هستند و با بروز پاندمی تشدید هم شده است، تنها قسمتی از بحران جهانی جوانان و دانش‌آموزان است. بر اساس آمار سازمان جهانی کار (ILO) که در انتهای ماه مه منتشر شده است «از زمان آغاز شیوع جهانی کووید-۱۹، متوسط اشتغال ۲۳٪ کاهش یافته است.»



فصلنامه‌ی مرّوا در شماره‌ی آنی به مساله‌ی آموزش در ایران و کالاسازی آن خواهد پرداخت.



ارسال مقاله و یا پیشنهاد:

morva.lpi@gmail.com



برگزاری کنگور در مردادماه، به خطر انداختن
جان دانش آموزان و خانواده‌های آنهاست.

